

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تجددای از آسمان

شرق کارون

نویسنده: مریم طحان

دبیر مجموعه: احمد دهقان

ناشر: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس

شابک: ۷-۳۱-۷۴۸۸-۶۰-۹۷۸

صفحه آرای و طرح جلد: حسن ابراهیمی

نوبت چاپ: اول / ۱۲۹۴ | شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه | قیمت: ۵۰۰۰ تومان

۱) ستاد مرکزی راهیان نور / تلفن: ۵-۸۸۳۴۶۶۶۱

۲) فروشگاه صریح/ خیابان انقلاب/ روبروی دانشگاه تهران

پلاک ۱۲۶۶ / تلفن: ۰۸-۶۶۹۵۴۱۰۸



سرشناسه: طحان، مریم، ۱۳۵۹ -

عنوان و نام پدیدآور: شرق کارون / مریم طحان

مشخصات نشر: تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۱۱۲ ص، ۱۷×۱۱۰ م.

فروست: قطعه‌ای از آسمان / دبیر مجموعه احمد دهقان

شابک: ۵۰۰۰۰-۳۱-۷۴۸۸-۶۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۰ -- خاطرات

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۰ -- شرق کارون

رده بندی کنگره: ۱۳۹۴/۵۸۵/DSR16۲۸

رده بندی دهبی: ۹۵۵/۸۴۲-۹۲۲

رده بندی کتابشناسی ملی: ۳۳۲۸۵۲

این کتاب با حمایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چاپ شده است.

قطعه‌ای  
از آسمان

شرق کارون

مریم طحان



ستاد مرکزی راهیان نور



## مقدمه

هنگامی که در سی و یکم شهریور ۱۳۵۹ شیپور نبرد حق علیه باطل در جبهه‌های جنگ به صدا در آمد، کمتر کسی گمان می‌برد که اردوگاه‌های جنگی در پشت جبهه‌ها و جای‌جای منطقه نبرد، روزی زیارتگاه و خانقاه عاشقان شود. اما بلافاصله پس از خاموشی آتش توپخانه‌ها، آن پیر و مقتدای رزمندگان، در پیامی این نوید را داد و خطاب به فرزندان برومندش چنین سخن گفت: «در آینده ممکن است افرادی آگاهانه یا از روی ناآگاهی، در میان مردم این مسأله را مطرح نمایند که ثمره خون‌ها و شهادت‌ها و ایثارها چه شد. این‌ها یقیناً از عوالم غیب و از فلسفه شهادت بی‌خبرند و نمی‌دانند کسی که فقط برای رضای خدا به جهاد رفته است و سر در طبق اخلاص و بندگی نهاده است، حوادث زمان به جاودانگی و بقا و جایگاه رفیع آن لطمه‌ای وارد نمی‌سازد. و ما برای درک کامل ارزش و راه شهیدان مان

فاصله طولانی را باید بیماییم و در گذر زمان و تاریخ انقلاب و آیندگان آن را جستجو نماییم. مسلم خون شهیدان، انقلاب و اسلام را بیمه کرده است. خون شهیدان برای ابد درس مقاومت به جهانیان داده است. و خدا می‌داند که راه و رسم شهادت کور شدنی نیست؛ و این ملت‌ها و آیندگان هستند که به راه شهیدان اقتدا خواهند نمود. و همین تربت پاک شهیدان است که تا قیامت مزار عاشقان و عارفان و دلسوختگان و دارالشفای آزادگان خواهد بود.»

و هنوز گرد و غبار میادین نبرد فرو ننشسته بود که خیل عاشقان به سوی سرزمین‌های نور رهسپار شدند. این مسافران، می‌خواستند از تک‌تک آن لحظات بشنوند و جای‌جای مناطق را ببینند تا روح و جان‌شان با مردان مرد این دیار عجین شود و جرعه‌ای از پیاله عرفان ناب که از شهادت سرچشمه گرفته است، بنوشند. و به راستی که این دروازه‌های بهشت، امروزه خانقاه عاشقان شهادت است و زائرانش با بوی شهیدان قوت می‌گیرند.

مجموعه کتاب‌های «قطعه‌ای از آسمان» قصد دارد تا امر مقتدای عاشقان و ولی امر مسلمین را لبیک گوید؛ آن‌جا که فرمودند: «منطقه بیت‌المقدس را نشان می‌دهید، یک مقدار بیابان است، معلوم است که نیروهایی بودند. این که شناسنامه این منطقه معلوم

باشد، معلوم بشود که این‌جا چه اتفاقی افتاده، چه شد که نیروهای مسلح به فکر افتادند که از این منطقه حملات خود را شروع کنند، چطور شد که این چهار مرحله یا پنج مرحله عملیات بیت‌المقدس پیروز شد، چه رنج‌هایی را رزمندگان در این عملیات متحمل شدند تا توانستند به پیروزی برسند، پیروزی چطور به دست آمد، این‌جا را باید آن کسی که می‌رود، بداند. برای هر یک از مناطق مهم شناسنامه درست کنید، یک شناسنامه منطقی، نه کتاب مفصل.»

مجموعه کتاب‌های قطعه‌ای از آسمان، شناسنامه تمام مناطق خاطره‌انگیز را پیش روی مخاطبان قرار می‌دهد. نویسندگان این مجموعه بر آنند تا علاوه بر ذکر مشخصات و مختصات هر مکان، با یادآوری خاطرات تاریخ‌سازان آن، مشتاقان را به آن لحظات ناب رهنمون باشند. امید که بتوان قطره‌ای از عطش زائران و مخاطبان را برآورده ساخت.

**ستاد مرکزی راهیان نور**

**سازمان هنری و ادبیات**

**دفاع مقدس**



## فصل اول

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، در سخنرانی خود در منطقه شرق کارون، درباره این منطقه و محاصره آبادان چنین فرمودند: «همان‌طور که می‌دانید، محاصره آبادان به تدریج شکل گرفت. یعنی از اولین ماه‌های جنگ و شاید از اولین هفته‌های جنگ بود که عراقی‌ها، از محور طلایه و حسینیّه وارد شدند، مرز را شکافتند و به طرف اهواز که نسبت به آن نقطه از مرز، طرف شرق می‌شود، آمدند. یکی از کارهایشان این بود که خودشان را به رودخانه کارون رساندند.

در همان اوقات، بچه‌های ما شروع به استقرار در مقابل مواضع و استحکامات دشمن، در آن سوی رود کارون، یعنی در حدود دارخوین کردند. در حالی که دشمن هم آمده بود این طرف رودخانه، سرپل گرفته بود و داشت سرپل خود را توسعه می‌داد. همین توسعه سرپل، برای دشمن یک موفقیت و برای ما یک ناکامی شد؛ اما همین موفقیت، در نهایت دام دشمن شد و به شکست او انجامید. اگر دشمن به این طرف کارون نیامده بود و این کار خطرناک را نکرده بود، مسلماً ضربه سخت عملیات ثامن‌الائمه را نمی‌خورد. یعنی دشمن از کارون عبور کرد و سرپلی در شرق کارون گرفت و به تدریج آن سرپل را توسعه داد، به نحوی که جاده اهواز - آبادان بسته شد.

وقتی عراقی‌ها خرمشهر را گرفتند، جاده خرمشهر - اهواز بسته شد. جاده آبادان - اهواز باز بود و رفت‌وآمد می‌کردند. وقتی دشمن از کارون عبور کرد و سرپل را گرفت و بعد سرپلش را توسعه داد، آن جاده هم بسته شد. فقط جاده ماهشهر - آبادان باقی ماند که آن هم زیر آتش قرار گرفت. یعنی آن قدر سرپل دشمن توسعه پیدا کرد که آن جاده سوم

هم زیر آتش قرار گرفت و در حقیقت دو سه راه غیرمطمئن باقی ماند؛ اول راه آبی، که خطرناک بود. دوم راه هوایی، که مشککش این بود که آقایانی که در ماهشهر نشسته بودند، آسان به کسی هلی کوپتر نمی دادند. سوم راهی خاکی که خاکی هم نبود، یک راه باتلاقی در دل بیابان بود که خیلی وقت‌ها خودروها در گل‌هایش گیر می کردند که پشت جاده ماهشهر قرار داشت که با هزار زحمت، بچه‌ها درست کرده بودند و با عسرت از آن عبور می کردند.

بعد از آن که در همین عملیاتی که در این منطقه اتفاق افتاد، منطقه دارخوین (این‌جا منطقه درگیری بسیار تعیین کننده عملیات ثامن‌الائمه بود) که سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی ایران، با همکاری یکدیگر، برای دستور امام برنامهریزی کردند، در همین منطقه توانستند دشمن را عقب بنشانند و آن روحیه‌ای را که دشمن به خاطر پشتیبانی فرنگی‌ها و خارجی‌ها و اروپایی‌ها به دست آورد، درهم بکوبند و بشکنند و محاصره آبادان را از بین ببرند.»<sup>۱</sup>

۱ پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

رودخانه کارون به طول ۸۵۰ کیلومتر، طولانی‌ترین رودخانه ایران است و یکی از عوارض و موانع طبیعی مهم و استراتژیک خوزستان به شمار می‌آید. سرچشمه شاخه‌های اصلی کارون (ارمند و بازفت) و چشمه دیمه، زردکوه بختیاری در استان چهارمحال و بختیاری است، ولی شاخه‌های فرعی آن از کوه‌های مختلف سرچشمه می‌گیرد؛ مانند خرسان از دنا در استان کهگیلویه و بویراحمد و دز از ارتفاعات لرستان. این رود، پس از عبور از مناطق کوهستانی و پُریچ‌وخم، در منطقه‌ای به نام گتوند وارد دشت خوزستان می‌شود.<sup>۱</sup>

پس از ورود به استان خوزستان (شهرستان‌های ایذه و مسجد سلیمان)، در شمال شوشتر به دو شاخه (کارون و شطیط) تقسیم می‌شود که در جنوب شوشتر در محلی به موسوم به بند قیر، هر دو شعبه مجدداً به هم متصل می‌شوند. مهم‌ترین شاخه فرعی کارون، رود دز است که در شمال اهواز به کارون ملحق می‌شود.<sup>۲</sup>

۱. اطلس جغرافیای حماسی ۱؛ خوزستان در جنگ، پژمان پورجباری، تهران، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، نشر صریر، ۱۳۸۹، ص ۱۹۴
۲. سالنامه آماری استان خوزستان سال ۱۳۹۰، سیما آرین‌نژاد و نصرت صفیر جرفی، استان‌داری استان خوزستان، ۱۳۹۱، ص ۴

سپس رودخانه کارون در فاصله ۲۵ کیلومتری شرق خط مرزی ایران و عراق و در مسیری شمالی و جنوبی جریان دارد و در مرز ایران و عراق، به اروندرود پیوسته و روانه خلیج فارس می‌شود. کارون اکنون مانند سابق پرآب نیست و قابلیت کشتی‌رانی ندارد. کارون از خرمشهر تا اهواز ۱۸۰ کیلومتر طول دارد و به کارون سفلی موسوم است. این رودخانه دارای عرضی متغیر است، به گونه‌ای که در پاره‌ای نقاط فاصله دو ساحل کارون حدود ۱۵۰ متر است؛ حال آن‌که در دیگر مناطق، این فاصله بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ متر می‌باشد.<sup>۱</sup>

از نظر موانع، رودخانه‌های کارون و کرانه‌های سست و باتلاقی آن (از اهواز تا پیوستن آن به اروندرود که موضوع این کتاب است)، موانع مهم دائمی می‌باشند که عبور از آن مستلزم پل‌های ثابت یا احداث پل‌های نظامی می‌باشد. در صورت بارندگی‌های شدید و نیز در مواقع طغیان کارون، تقریباً تمام سطح این منطقه در خارج از جاده‌های یاد شده به صورت مانع و غیرقابل عبور درمی‌آید.

۱. اطلس جغرافیای حماسی ۱، صص ۱۹۵-۱۹۴

این منطقه دارای آب‌وهوایی گرم و مرطوب بوده، اما شب‌های آن نسبتاً خنک است. زمین آن نیز صاف و هموار است و به ندرت تپه‌های خاکی کم‌ارتفاع طبیعی در آن دیده می‌شود؛ در نتیجه در این دشت صاف، انواع خودروها به راحتی می‌توانند عبور کنند و کوچک‌ترین حرکت آن‌ها از فاصله دور به وضوح دیده می‌شود.

با توجه به خصوصیات زمین منطقه عملیات، در آغاز جنگ، این منطقه فقط برای عملیات آفندی سریع مناسب بود و به جز در کرانه رودخانه‌ها و حاشیه شهرها، مناطق مناسبی برای دفاع وجود نداشت. ارتش عراق اگر می‌توانست سریع در قلمرو کشورمان پیشروی کند و خود را به کرانه رودخانه کارون برساند، دفاع در مقابل آن مشکل بود. به علاوه، برای عبور از رودخانه، ضرورت داشت که مهاجم از مقدمات مهندسی و نظامی مورد لزوم برخوردار باشد.

علاوه بر موقعیت استراتژیکی که این منطقه از آن برخوردار است، در حواشی آن نیز روستاهایی وجود دارند که هر کدام از آن‌ها، در طول سال اول جنگ، نقش مهمی داشتند. از آن جمله:

دارخوین: شهرک و روستایی در ۴۴ کیلومتری شمال آبادان که بین رودخانه کارون و جاده آبادان - اهواز قرار دارد. شهرک دارخوین متعلق به کارکنان سازمان انرژی اتمی بود که در تأسیسات دارخوین واقع در ۳ کیلومتری جنوب دارخوین و در حاشیه کارون فعالیت می کردند.<sup>۱</sup> در اطراف دارخوین، روستاهای متعددی وجود دارد: روستای سلمانیه در جنوب دارخوین و در حاشیه شرقی رودخانه کارون و در ۹۰ کیلومتری اهواز واقع است. روستای محمدیه نیز در ۲ کیلومتری سلمانیه است و خطشیر معروف، در حاشیه جنوبی این روستا، در میان بوته‌زارهایی که فاقد پوشش گیاهی مناسب است، تشکیل گردید. همچنین روستای نثاره که در ۱۵ کیلومتری شمال دارخوین قرار دارد.

روستای مارد: در ۱۵ کیلومتری شمال آبادان و در حاشیه شرقی کارون قرار دارد. مارد در آن زمان منطقه کوچکی بود که تقریباً از ۱۰ خانه و یک پل کوچک بر روی نهر مارد تشکیل شده بود. نیروهای عراقی در ۱۹ مهر ۱۳۵۹ در ۱۷ کیلومتری شمال آبادان، یعنی کمی بالاتر از روستای مارد،

یک پل نظامی شناور نصب کردند و به قسمت شرقی کارون رفته و به روستای مارد رسیدند.<sup>۱</sup>

بهمن شیر: یکی از شاخه‌های اصلی کارون است. این رود که ۸۵ کیلومتر طول دارد، در شمال جزیره آبادان جاری است و به خلیج فارس می‌ریزد و از آن نهرهای متعددی منشعب می‌شود. در ضمن، اطراف رودخانه نخل‌های بسیاری وجود دارد.

کوی ذوالفقاری: در بخش شرقی شهر آبادان واقع است و در شمال آن رود بهمن شیر و در جنوب آن جاده خسروآباد قرار دارد.

روستای مدن: در شمال شرقی آبادان واقع است و در شمال آن میدان تیر آبادان قرار دارد. قبل از جنگ تحمیلی، دو تپه مصنوعی با ارتفاع چند متر از سطح مناطق مجاور ایجاد شده بود که به تپه‌های مدن معروف بود.<sup>۲</sup>

شادگان: در شمال آبادان و جنوب شرقی دارخوین واقع شده است. جاری بودن رودخانه کارون در غرب شهرستان

۱. جغرافیای عملیات ماندگار دفاع مقدس، احمد پوراحمد، به اهتمام حسن رسولی

منفرد، تهران، صریر، ۱۳۸۶، ص ۴۴

۲. اطلس جغرافیای حماسی ۱، صص ۹۱ - ۹۰

شادگان، به عنوان مانعی بزرگ برای پیشروی دشمن به این شهرستان محسوب می‌شد. اما شادگان یکی از محورهای دسترسی به آبادان و شرق خوزستان بود. لذا دشمن پس از اشغال خرمشهر، برای اشغال و محاصره آبادان، بخش‌هایی از جنوب غربی این شهرستان را در حوالی مارد و دارخوین به تصرف درآورد.<sup>۱</sup>

---

۱. اطلس جغرافیای حماسی ۱، ص ۱۱۱

## ۲ فصل دوم

در میان خطوط عظیم جبهه‌های جنگ، شرق کارون و آبادان از موقعیت ممتاز و منحصر به فردی برخوردار بود. گویا همه چیز در نهایت به این دو ختم می‌شد. عبارت کوتاه ولی مهم امام خمینی (ره) هم در نخستین روزهای تهاجم عراق، حکایت از همین وجه امتیاز بود: «حصر آبادان باید شکسته شود.»<sup>۱</sup>

با آغاز جنگ، ارتش عراق به علت ناتوانی در عبور از اروندرود و نیز دشواری عبور از سد مدافعان خرمشهر، عملیات اشغال

---

۱. روزهای مقاومت؛ واکاوی عملیات دارخوین و شکست حصر آبادان، سیدیحیی (رحیم) صفوی، قم، هدی، ۱۳۹۰، ص ۹

آبادان را با عبور از رودخانه کارون در منطقه مارد و سپس پیشروی به سوی بهمن شیر طراحی نمود.

با آغاز جنگ تحمیلی، شرق کارون به واسطه دوری از مرزهای دو کشور (فاصله رود کارون از مرز بین دو کشور در منطقه دارخوین و مارد، حدود ۲۵ کیلومتر است)، از آتش دشمن در امان بود. اما در روز ۵ مهر ۱۳۵۹، لوله‌های نفت مستقر در شمال رودخانه بهمن شیر منفجر شد و آتش‌سوزی رخ داد. این امر اولین بار بود که در شرق رودخانه کارون مشاهده می‌شد و به نظر می‌رسید از این لحظه به بعد آتش توپخانه عراق به کرانه شرق کارون روانه گردیده و صحنه نبرد به شرق رود کارون گسترش خواهد یافت.

با این اتفاق و پیشروی‌های دشمن، فرماندهان نظامی چنین برآورد کردند که ممکن است ستون‌هایی از دشمن مأموریت داشته باشند از رودخانه کارون عبور کنند. اولین تحرکات دشمن برای اشغال شرق کارون، در ۱۶ مهر تمرکز وسایل پل‌سازی در منطقه شمال شرقی خرمشهر و کنار رودخانه کارون مشخص شد. این خبر توسط عناصر اطلاعاتی تأیید شد و تردیدها در خصوص تصمیم عراق برای

عبور از کارون را به یقین تبدیل کرد. اطلاع از پل زدن عراقی‌ها بر روی کارون در مارد، توسط یک سروان عراقی در اختیار مقامات ایرانی قرار گرفت.

سروان عراقی که در منطقه نبرد پادگان دژ خرمشهر به اسارت درآمده بود، در اظهارات خود اعلام کرد که گردان مهندسی لشکر ۳ زرهی عراق در شب ۱۸ یا ۱۹ مهر مأموریت دارند که بر روی کارون پل شناور زده، ابتدا یک گردان تانک از تیپ ۶ زرهی و یک گردان کماندو از تیپ ۳۳ نیروی مخصوص و یک گروهان مکانیزه از پل عبور دهند و پس از تصرف سرپل، تمام عناصر تیپ ۶ زرهی از رودخانه گذشته و راه ارتباطی اهواز - آبادان را قطع کنند. با وجود این احتمالات و خبرهای ارسالی، به دلیل کمبودها، اقدام بازدارنده‌ای برای دفاع از کرانه شرق کارون صورت نگرفت و هیچ یگانی برای پوشش به این منطقه اعزام نشد.<sup>۱</sup>

دشمن بعثی برای تنگ کردن حلقه محاصره خرمشهر و آبادان، تعدادی از یگان‌هایش را در روز ۱۹ مهر ۵۹ از

---

۱. ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس، ج ۳ (اشغال خرمشهر و شکستن حصر آبادان)، سید یعقوب حسینی و محمد جوادی پور، تهران، سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۳، ص ۱۰۵ و ۱۲۷

رودخانه کارون عبور داد. تیپ ۶ زرهی ارتش عراق با ایجاد یک پل شناور مهندسی نسبتاً قوی نظامی در منطقه مارد بر روی رودخانه کارون، تجهیزات و تانک‌های خود را به سرعت از روی پل عبور داد و وارد منطقه دارخوین شد. یکی از اسرای عراقی می‌گوید:

«ما در دشت خوزستان به قدری سریع پیشروی می‌کردیم که می‌ترسیدیم نکند تله‌ای برای ما گسترده باشند و با این‌که در حال پیشروی به سوی آبادان و اهواز بودیم، حالت شک و ترس عجیبی داشتیم.»<sup>۱</sup>

علت انتخاب مارد آن بود که این محل در نزدیک‌ترین نقطه جاده اهواز - آبادان به رودخانه قرار داشت و نیروهای دشمن بعد از عبور از رودخانه در مدت کوتاهی به جاده می‌رسیدند. در نتیجه، نیازی به جاده‌سازی در کرانه شرق کارون تا جاده اصلی نداشتند. ضمن این‌که در این منطقه، در اجرای مانور سالیانه در دهه ۱۳۵۰، چندین بار تمرین عبور از رودخانه، برقراری پل شناور و طراده صورت گرفته بود. اطلاعات در خصوص این منطقه، توسط عوامل نفوذی

۱. حماسه دارخوین، اصفهان، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱، ص ۲۷

و ستون پنجم به دشمن رسیده بود و آن‌ها بدون فعالیت جهت شناسایی کرانه رودخانه، مستقیماً به این نقطه حرکت کرده و سریعاً با احداث پل از آن عبور کردند.

پل احداثی توسط نیروهای عراق ساخت شوروی سابق بود که ارتش ایران در یگان‌های مهندسی خود از همان پل استفاده می‌کرد. احداث این نوع پل بسیار ساده و آسان بود و برقراری آن، با احتساب زمان جهت عملیات ساحل‌سازی، بیش از یک یا دو ساعت طول نمی‌کشید<sup>۱</sup>.

به علت عدم حضور نظامیان در محل عبور دشمن از رودخانه، اطلاعاتی که به مقامات مسؤوول می‌رسید، توسط افراد محلی بود که توانسته بودند از منطقه اشغالی فرار کنند. عراقی‌ها، ضمن عبور از مارد، کلیه مردان مارد و اطراف را به اسارت گرفته بودند. همچنین با بستن جاده اهواز - آبادان و به اسارت در آوردن حدود ۲۰۰ نفر از مردم که راهی اهواز بودند، مسیر اصلی پشتیبانی مدافعین خرمشهر را قطع

---

۱. تحلیلی بر وقایع صحهٔ عملیات خوزستان در سال اول جنگ، نصرت‌الله معین وزیری، تهران، سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس آجا، ۱۳۸۴، صص

کردند.<sup>۱</sup> با تصرف راه‌های اصلی و ارتباطی آبادان (جاده‌های اهواز-آبادان و آبادان-ماهشهر) شهر آبادان به محاصره کامل عراقی‌ها درآمد. عراقی‌ها با این پیروزی، به سمت دارخوین پیشروی کردند، اما با اطلاع افراد محلی از حضور عراقی‌ها، نیروهای سپاه مانع پیشروی آن‌ها به دارخوین شدند.

عراقی‌ها برای تقویت نیروهای خود و گسترش منطقه تصرف شده در شرق کارون، در منطقه قصبه پل دیگری بر روی کارون نصب کردند. با سقوط خرمشهر در تاریخ ۵۹/۸/۴ و انهدام پل خرمشهر بر روی کارون، این رودخانه به عنوان یک مانع طبیعی بین نیروهای خودی در آبادان و نیروهای دشمن در خرمشهر اهمیت یافت.

تصرف جزیره آبادان، یکی از اهداف مهم ارتش عراق در هجوم گسترده به جمهوری اسلامی ایران بود. عراقی‌ها با اشغال این جزیره، می‌توانستند بر اروندرود و شمال خلیج فارس تسلط یابند. پرهیز از عملیات عبور از اروندرود و نیز دشواری عبور از سد مدافعان خرمشهر، موجب شد ارتش

۱. اطلس راهنما ۱؛ خوزستان در جنگ، ابوالقاسم حبیبی، تهران، مرکز مطالعات و

تحقیقات جنگ سپاه پاسداران، ۱۳۷۹، ص ۴۰

عراق عملیات اشغال آبادان را از نوار مرزی شمال شلمچه به طرف رودخانه کارون و سپس پیشروی به سوی بهمن شیر طراحی کند.

در ساعت ۱۲ ظهر روز ۱۸ مهر ۱۳۵۹، واحدهای پیشقراول ارتش عراق به رود کارون رسیدند. در ساعت ۷ صبح روز بعد، یک پل متحرک در منطقه مارد روی کارون نصب کردند و بلافاصله ۸۰ تانک به شرق کارون آمدند. این در حالی بود که نیروهای ایرانی هنوز از این موضوع خبر نداشتند. تانک‌های عراقی به سوی جاده آسفالت آبادان - اهواز پیشروی کردند و عده زیادی (حدود ۹۰۰ نفر) را که غالباً غیرنظامی و از اهالی آبادان و خرمشهر بودند، به اسارت در آوردند. سپس در شب ۲۲ مهر، به سمت جاده ماهشهر حرکت کردند. با توسعه مناطق اشغالی، سرزمینی به عرض ۲۰ و عمق ۱۰ کیلومتر به تصرف درآمد و جزیره آبادان از راه زمین محاصره شد. در ادامه، روز نهم آبان ۱۳۵۹ ارتش عراق از رود بهمن شیر گذشت و وارد کوی ذوالفقاری آبادان شد. نیروهای خودی احتمال حمله دشمن را از این نقطه نمی‌دادند و به همین دلیل، در مناطق دیگری مانند ایستگاه ۷ و ایستگاه ۱۲ جبهه تشکیل داده بودند.

دریاقلی سورانی، که در نزدیکی رودخانه بهمن شیر اوراق فروشی داشت، خبر عبور ارتش عراق را به نیروهای خودی داد و رزمندگان و مدافعان شهر، با کمک یکدیگر، ارتش متجاوز دشمن را عقب راندند. یکی از مدافعان، درباره دفاع زن و مرد و پیر و جوان از آبادان چنین گفته است:

«در مسیر جاده خسروآباد، یک نوجوان پانزده شانزده ساله را دیدم که قطار فشنگ اسلحه ام. یک را دور خودش پیچیده، در حالی که اصلاً تفنگش را نداشت. یا جای دیگر، یکی تفنگ ام. یک داشت، ولی دانه‌ای فشنگ هم دم دستش نبود! همه، با چماق، تبر و حتی چاقوهای بزرگ، آمده بودند تا با دشمن جنگ تن به تن بکنند، ولی نگذارند دستش به آبادان برسد. پیرمردی را دیدم که چوب بلندی جلوی دوچرخه‌اش بسته بود و نفس نفس زنان به طرف نخلستان‌های ذوالفقاری رکاب می‌زد و می‌آمد. از این شجاعت و ایمان مردم، به خود می‌بالیدم و اشک می‌ریختم. همه به سوی ذوالفقاری هجوم می‌بردند.»<sup>۱</sup>

۱. سرباز سال‌های ابری؛ خاطرات عبدالحسین بنادری، گفت‌وگو و تدوین سیدقاسم

یا حسینی، تهران، فاتحان، ۱۳۸۹، ص ۱۵۸

در هفته‌های اول شروع جنگ تحمیلی، دشمن هر روز به حملات خود شدت می‌بخشید. پالایشگاه‌های جنوب کشور در خطر بمباران و نابودی بودند. محمدجواد تندگویان، در سمت وزیر نفت، لحظه‌ای آرام و قرار نداشت. مرتب به بازدید پالایشگاه‌ها می‌رفت و با این که مدت زیادی از سفرش به آبادان نگذشته بود، ولی باز رهسپار بود تا هر چه زودتر پالایشگاه آن جا را از نزدیک ببیند. آن روز، جادهٔ اهواز - آبادان تحت تسلط نیروهای دشمن قرار گرفته بود.

ساعتی از طلوع آفتاب می‌گذشت که با گروه همراه به سمت آبادان حرکت کرد. تابلوی کنار جاده، ۵ کیلومتری آبادان را نشان می‌داد. کمی بعد از تابلو، به ساختمان بزرگی رسیدند. ساختمان، چسبیده به جاده بود. در این لحظه، عده‌ای مسلح از پشت دیوار ساختمان کنار جاده، به طرف اتومبیل هجوم آوردند و به صورت دایره‌وار، جاده را محاصره کردند. به دستور افراد مسلح، سرنشینان اتومبیل یکی پس از دیگری پیاده شدند. تندگویان آرام گفت: «عزیزان من، مقاوم و هوشیار باشید. احتمالاً ما به اسارت نیروهای بعثی درآمده‌ایم.»

حدس او درست بود. آنان را پس از آزار و اذیت، زیر آن آفتاب سوزان، داخل گودالی بردند. حدود یکصد اسیر نظامی، دور تا دور گودال نشسته بودند. دست‌ها و چشم‌هایشان را بستند. ناگهان صدای رگبار گلوله بلند شد. به نظر می‌آمد که سربازان عراقی شروع به کشتن اسرا کرده‌اند. تندگویان آرام به یکی از همراهانش گفت: «این ناجوانمردان، الان همه این بی‌گناهان را می‌کشند. بهتر است خودم را معرفی کنم.» تأمل نکرد. بلند شد ایستاد و بلند گفت: «منم محمدجواد تندگویان، وزیر نفت ایران.»

عراقی‌ها به سمت او هجوم آوردند. کمی بعد، تندگویان را از بقیه جدا کردند و همراه خود بردند. پس از آن، صدای رگبارها قطع شد و دیگر کسی کشته نشد.

روزهای اول، خانواده از اوضاع او باخبر بودند. حتی فرزندش که متولد شد، به تندگویان خبرش را دادند. ولی بعد از آن هیچ خبری از او نشد. در آخرین نامه‌اش که خبر تولد دخترش را شنیده بود، چنین نوشت: «از دیدن دست‌خط زیبایتان مسرور شدم. از دور روی سمیه و پیمان و مهدی را می‌بوسم. اگر برای نورسیده شناسنامه نگرفته‌ای،

نامش را هدی بگذار. ان شاءالله که به مبارکی نام و قدمش،  
همگی به هدایت نایل شویم. به امید دیدار همگی شما. از  
همه التماس دعا دارم.»<sup>۱</sup>  
جنازهٔ محمدجواد تندگویان، وزیر نفت ایران، سال‌ها بعد  
به خاک وطن بازگشت.

---

۱. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به: مصاحبه با خانوادهٔ شهید تندگویان، خبرگزاری

### ۳ فصل سوم

عملیات کوی ذوالفقاری، کلید فتح و زمین‌گیر کردن ارتش عراق در شرق کارون بود. پس از این عملیات، رزمندگان اسلام خطوط دفاعی متعددی در شرق کارون ایجاد کردند که عبارت بود از:

الف. جبهه آبادان به طول تقریبی ۱۴ کیلومتر متشکل از: محور ایستگاه ۷، محور ایستگاه ۱۲، محور فیاضیه.

ب. جبهه دارخوین به طول تقریبی ۵۰ کیلومتر متشکل از: محور محمدیه، محور سلمانیه، محور مسعودی، محور انرژی اتمی، محور دارخوین و کفیشه، محور نثاره.

ج. جبهه ماهشهر به طول تقریبی ۷ کیلومتر.

لازم است این سه جبهه که جبهه‌های منطقه شرق کارون را تشکیل می‌دادند، به تفصیل شرح داده شود:

الف. جبهه آبادان: فرماندهی سپاه سوم عراق پس از گذشت دو روز از گرفتن سرپل نسبتاً محدود در شرق کارون، به گسترش نیروهای لشکر ۳ زرهی در شرق کارون پرداخت. اطلاعات سپاه وضعیت پیشروی نیروهای عراقی را در ۲۲ مهر ۵۹ چنین گزارش کرده است:

«دشمن بعد از ایجاد پل روی کارون در دو محل دارخوین و سلمانیه، در دو روز گذشته تلاش زیادی برای محاصره کامل آبادان و خرمشهر به کار گرفته و مخصوصاً در تلاش است با قطع جاده ماهشهر - آبادان تنها راه زمینی ارتباطی آبادان و خرمشهر را قطع نموده، این دو شهر استراتژیک را به تصرف درآورد. امروز دشمن توان زیادی برای رسیدن به این جاده و همچنین رسیدن به آبادان به کار گرفت. به گزارش سپاه خوزستان: دشمن به ۳ الی ۴ کیلومتری آبادان رسیده و جاده ماهشهر را زیر آتش توپخانه و خمپاره گرفته است.

عصر امروز چند تانک دشمن تا ۵ کیلومتری جاده آبادان - ماهشهر پیشروی کرده است.<sup>۱</sup>

پس از آن که حرکت نیروهای عراقی در عبور از رودخانه بهمن شیر بر اثر حمله متقابل نیروهای مستقر در آبادان با شکست مواجه گردید و اقدام به عقب نشینی به شمال بهمن شیر کرد، جاده قفاص به صورت خط پدافندی این نیروها در شمال بهمن شیر در آمد. در فاصله کوتاهی پس از این واقعه، مرتضی قربانی به اتفاق تعداد کمی از نیروهای سپاهی و مردمی، موفق شدند از رودخانه بهمن شیر عبور کرده و به نیروهای عراقی حمله کنند. آنان در این حمله، ضمن انهدام بخشی از نیروهای مستقر در کنار جاده قفاص، تعداد ۱۳۰ نفر از نیروهای عراقی را نیز به اسارت درآوردند. این حمله سبب شد نیروهای عراقی تا میدان تیر آبادان - که بعدها به نام تپه‌های شهید مدن معروف گردید - عقب نشینی کنند.

ایجاد این فضا - مابین رودخانه بهمن شیر تا تپه‌های مدن

---

۱. هجوم سراسری (روزشمار جنگ ایران و عراق)، مهدی انصاری و حسین یکتا، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران، چاپ دوم، ۱۳۷۷، ص ۴۱۴

- در آینده عملیات منطقه شرق کارون با اهمیت بود، چرا که اولاً فضای لازم و مناسبی را جهت مانور برای نیروها ایجاد می‌کرد و در آینده از همین فضا عملیات تپه‌های مدن صورت گرفت. ثانیاً امکان تدارکات از منطقه چوینده و سپس اسکله قفاس میسر می‌گردید.

پس از انجام این عملیات، و با توجه به اهمیت این محور در دسترسی به پل ایستگاه ۷، مسؤولان محور تصمیم به ایجاد یک خط پدافندی در جلوی مخازن ایران‌گاز در ۱/۵ کیلومتری شمال شرقی تقاطع جاده ماهشهر - آبادان و اهواز - آبادان گرفتند. در اولین اقدام، با استفاده از امکانات محدودی که جهاد سازندگی فارس و نجف‌آباد در منطقه آبادان مهیا کرده بودند، خاکریزی به ارتفاع ۱/۵ متر در جلوی تأسیسات ایران‌گاز احداث شد. این عمل که حدود یک ماه و نیم پس از شروع جنگ صورت گرفت، به عنوان اولین قدم در پیدایش یک خط پدافندی منسجم در این محور قلمداد گردید.

پس از ۲۰ روز استقرار در کنار مخازن ایران‌گاز و با توجه به انجام شناسایی از منطقه جلو، خاکریز دوم ۸۰۰ متر جلوتر و بین جاده‌های آبادان - ماهشهر و آبادان - اهواز

احداث شد. نیروهای مستقر در محور به خوبی می‌دانستند که دشت صاف و بی‌عارضه بین آنان و دشمن بزرگ‌ترین آسیب‌پذیری را برای آنان در انجام هرگونه عملیات به وجود می‌آورد و باید تا حد امکان خاکریز اول خود را به دشمن نزدیک کنند، از این رو، با تصمیم جسورانه‌ای، خاکریز سوم را در ۵۰۰ متری نیروهای عراقی احداث کردند.

بعد از احداث سه خاکریز، نیروهای مستقر در جبهه آبادان مشغول حفر کانال، شناسایی‌های مداوم و کنترل حرکات دشمن شدند؛ که سبب موفقیت‌های این محور در عملیات ثامن‌الائمه گردید.

در این راستا، سه کانال در منطقه احداث گردید: یکی در زیر خطوط لوله نفت و در کنار جاده ماهشهر که تا حدود ۱۵۰ متری نیروهای دشمن امتداد داشت؛ دومی در وسط منطقه و کانال سوم در کنار جاده اهواز - آبادان. برای این که دشمن متوجه این کانال‌ها نشود، خاک‌های آن یا از منطقه بیرون برده می‌شد و یا در کنار کانال پخش می‌شد تا در ترکیب و ارتفاع زمین اختلافی پیش نیاید.

همچنین در این محور، برای کم کردن تأثیر آتش دشمن

و محدود کردن دیده‌بانی آنان، رزمندگان تعداد زیادی از لاستیک‌های موجود در آبادان را به منطقه آوردند و شبانه بین خطوط خودی و دشمن رها کردند تا نیروهای شناسایی، با اتکا به آن‌ها، بتوانند مخفی شوند و در زیر نور منوره‌های عراقی‌ها، اقدام به شناسایی کنند. محمدجعفر اسدی دربارهٔ شناسایی‌های این محور می‌گوید:

«ما دشمن را کاملاً شناخته بودیم. حتی از نوع شلیک خمپاره، درمی‌یافتیم که آیا مسؤؤل قبضه شلیک کرده یا کس دیگر، تعداد سنگرهای تیربار، محل دقیق آنان، ساعت تعویض نگهبانان و تمامی اطلاعات ریز دشمن را ما در طول استمرار در منطقه کسب کرده بودیم.»

با شکل‌گیری ستاد عملیاتی جنوب، کار در این محور انسجام و هماهنگی بیشتری یافت. جناح غربی خط دفاعی آبادان در محدودهٔ کارون، جبههٔ فیاضیه و تقاطع این خط با جادهٔ اهواز، جبههٔ ایستگاه ۱۲ نام گرفت.<sup>۱</sup>

ب. جبههٔ دارخوین: با تسلط ارتش عراق بر شرق کارون

---

۱. نبردهای شرق کارون به روایت فرماندهان، سیدعلی بنی‌لوحی و هادی پیرمرادی، تهران، مرکز اسناد دفاع مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۹۱،

در محدوده روستای مارد، جبهه مهمی در شمال منطقه نبرد، به منظور جلوگیری از پیشروی دشمن تشکیل شد که به علت قرار داشتن روستای دارخوین در عقبه آن، به جبهه دارخوین مشهور شد.

جبهه دارخوین برای عراق اهمیت زیادی داشت که به سادگی نمی توانست از آن بگذرد. تلاش عراق برای گسترش سرپل خود به سمت شمال، باعث می شد جبهه دارخوین در خط دفاعی روستاهای سلمانیه و محمدیه (خط شیر) فشار زیادی را تحمل کند. روستاهای دارخوین و کفیشه، مرکز ثقل فشار عراق در رسیدن به کارون و سپس عبور از آن برای تصرف سه راه مهم شادگان - آبادان - ماهشهر بود که منطقه را از طریق آن به اهواز وصل می کرد. همچنین این جبهه می توانست تهدید عمده ای علیه سرپل عراق (در استراتژی آزادسازی آبادان از محاصره) ایجاد کند، چنان که با اجرای «عملیات فرمانده کل قوا» و محدود نمودن عرض سرپل، زمینه مناسبی برای رسیدن به عملیات ثامن الائمه ایجاد گردید.

جبهه دارخوین نه تنها تا اجرای عملیات ثامن الائمه

(آزادسازی آبادان از محاصره) مهم و تعیین کننده بود، بلکه به دلیل حفظ سرپل مناسب در غرب کارون که نقطه قوت طرح مانور عملیات بیت المقدس (فتح خرمشهر) بود، همواره از ارزش و اهمیت روزافزون برخوردار بود. بر این اساس، عراق در چندین مرحله به جبهه دارخوین حمله کرد تا شاید بتواند راه نفوذی پیدا کند، ولی مقاومت رزمندگان مانع تحقق آن شد. نیروهای اندک، اگرچه از لحاظ نظامی مجهز به اسلحه‌های سنگین نبودند و نیز تجربه جنگ کلاسیک را هم نداشتند، اما با تجهیزات کم، در منطقه سلمانیه جلوی نیروهای بعث عراق را گرفتند.

در آغاز جنگ تحمیلی، یکی از مشکلات مرکز فرماندهی ستاد عملیات جنوب، هماهنگ کردن نیروهای اعزامی به منطقه بود که بعضاً مستقیم و بدون سازمان، در خطوط مقدم حضور می‌یافتند. این در حالی بود که گروه‌های نیمه‌رسمی، هر کدام در منطقه‌ای در شکل‌گیری مقاومت مردمی نقش داشتند. تا این‌که جبهه نوپای دارخوین به رحیم صفوی سپرده شد تا با حضور مستقیم وی، جبهه جدید سر و سامانی بگیرد. سردار رحیم صفوی در این باره می‌گوید:

«من به اتفاق برادرانی از اصفهان، قم و شیراز اولین خط دفاعی در جنگ را تشکیل دادیم. به طوری که تا آن زمان، هیچ خط دفاعی مقابل عراقی‌ها نبود. عراقی‌ها اگر جاده آبادان را جلو می‌آمدند، به شادگان می‌رسیدند و حتی تا اهواز هم می‌توانستند بروند، و کسی جلوی آن‌ها نبود.

زمانی که ما به منطقه رسیدیم، هیچ سرپناهی نداشتیم. یک روز عراقی‌ها، با چند دستگاه تانک، کنار رودخانه کارون و روبه‌روی دارخوین، با تیر مستقیم شروع به تیراندازی کردند. در این مکان، یک پاسگاه ژاندارمری بود، برادران ژاندارمری از پاسگاه فرار کردند و ما هم رفتیم و دیدیم کسی در آن جا نیست و در پاسگاه مستقر شدیم.

وضع‌مان خوب شده بود. به هر حال، جایی پیدا کردیم و سرپناهی داشتیم. حتی صاحب آشپزخانه شده بودیم. بدین وسیله ما در آن پاسگاه مستقر شدیم. فاصله دارخوین تا خط زیاد بود. ما آن‌جا را به عنوان قرارگاه تعیین کردیم. بعد در روستای پایین‌تری به نام سلمانیه و پایین‌تر از آن به نام محمدیه، یک شیار عمیق داشت که در همان شیار سنگر کردیم و اولین خط دفاعی را ساختیم.

در آن موقع، نه لودری بود و نه امکاناتی. آن جا مستقر شدیم و اسم این خط را «خط شیر» گذاشتیم. دو سه بار عراقی‌ها با تانک‌ها خواستند این خط را دور بزنند، ولی بچه‌ها با روحیه بالا در مقابل آن‌ها ایستادند.<sup>۱</sup>

در واقع، اولین خط دفاعی در جبهه دارخوین ایجاد شد. نیروهای سپاه با پیشروی در منطقه جنوب محمدیه، یک خط آتش در مقابل نیروهای عراقی تشکیل دادند که به خط شیر معروف شد. خط شیر در میان بوته‌زارهایی که فاقد پوشش گیاهی مناسب بود، تشکیل گردید.

«نیروهای جبهه خودی، در نهر خشکیده آبی که عمود بر رودخانه کارون است، موضع گرفته و در حالتی چریکی و در استتار و پوشش کامل، در وضعی دشوار به انتظار دشمن می‌نشینند. چند روز می‌گذرد. نهر خشکیده که مرور زمان آن را به دیواره‌ای به ارتفاع کمتر از یک متر تبدیل کرده است، به خط پدافندی تبدیل می‌شود و به خاطر این که دارای هیچ عارضه اضافی از سطح زمین نیست و سراسر منطقه را

۱. اولین‌های دفاع مقدس، محمد خامه یار، قم، رهپویان، چاپ دوم، ۱۳۸۳، صص

بوته‌های گز یا علف تا ارتفاع هفتاد هشتاد سانتی متر پوشانده است، برای دشمن بسیار ناشناخته و مرموز جلوه می‌کند. در خط شیر، سنگ‌سازی شروع می‌شود. دفاع مظلومانه در برابر هجوم پشه‌های نابکار و هوای شرجی، بسیار سخت‌تر از انفجار گلوله‌های خمپاره ۱۲۰ میلی‌متری است که بدون هدف توسط دشمن شلیک می‌شود. سنگ‌هایی که دهانه‌هایی کوچک دارند و رزمندگان سینه‌خیز داخل آن مستقر شده‌اند. سنگ‌هایی معروف به خانه روباه که به اندازه نصف قد بچه‌ها، داخل زمین فرو رفته و با شاخه‌های خرما پوشیده شده است.»<sup>۱</sup>

عراقی‌ها در جبهه جنوبی دارخوین (سلمانیه - محمدیه - خط شیر) قصد داشتند لشکر ۳ زرهی خود را گسترش دهند تا کمتر آسیب‌پذیر شوند.

«نه ما از دشمن شناخت داشتیم، نه عراق از ما شناخت کامل داشت. در مدت یک ماه، ۲ الی ۳ بار عراق، محمدیه را محاصره کرد و یک مرتبه هم تا سلمانیه پیشروی کرد. در حالی که نیروها در خط شیر مستقر بودند، دشمن حرکت

۱. روزهای مقاومت، صص ۲۶-۲۵

پیاده‌ای را از سمت راست و حرکت زرهی را از سمت چپ جاده شروع کرد.

لوله‌های نفت، به خاطر انفجار خمپاره آتش گرفت و بچه‌ها در نور شعله‌های آتش، سربازان عراقی را می‌دیدند. همان تعداد محدودی که در خط مستقر بودند، شهید خرازی، شهید احمد فروغی، شهید منصور موحدی و دیگران با دشمن درگیر می‌شوند. ما هم از دارخوین ۱۰ نفر را برداشتیم و به محمدیه رسیدیم. وقتی به صحنه درگیری رسیدیم، تانک‌های عراقی روی جاده مستقر بودند و منطقه را با تیربار دوشکا زیر آتش گرفته بودند.

با مقاومت و دفاع بچه‌ها، عراقی‌ها تار و مار شدند. چهار پنج دستگاه تانک و نفربر آن‌ها غنیمت گرفته شد. عده زیادی از آن‌ها هم کشته شدند. در این عملیات، برای اولین بار اسیر گرفته شد. بچه‌ها تعدادی اسیر و کشته‌های عراقی را عقب یک وانت سوار می‌کردند و برای نشان دادن به مردم به اهواز بردند. آن‌ها می‌گفتند مردم با دیدن اسیران چه شادی می‌کردند.»<sup>۱</sup>

---

۱. روزهای مقاومت، صص ۳۱ - ۳۰

شهید رضا رضایی، فرمانده جبههٔ محمدیه، جریان یکی دیگر از حملات عراق را این‌طور تعریف می‌کند:

«ما با تعدادی از برادران در خطشیر مستقر بودیم. تعداد ما در مقابل عراقی‌ها، یک‌دهم بود و با عکس‌هایی که فانتوم‌های جمهوری اسلامی ایران از مواضع دشمن برداشته بودند، مشخص شد که ارتش بعث عراق در حدود ۴۰۰ تانک و خودرو وارد منطقه کرده است، در حالی که تعداد نفرات ما بسیار کم بود.

یکی از شب‌ها، ما با تعداد کمی از رزمندگان اسلام مشغول نگهبانی بودیم. هوا ابری بود و صدای حرکت درخت‌های نخل و صدای باد به گوش می‌رسید. از طرفی هم متجاوزین عراقی مشغول کوبیدن ما بودند و هر چند دقیقه‌ای، تعدادی خمپاره به طرف ما روانه می‌کردند.

شب تاریکی بود و چشم، چشم را نمی‌دید و به سختی دو سه متری دیده می‌شد. زیرا اوایل ماه محرم بود و در اثر نبودن ماه و ابری بودن هوا، بیش از اندازه منطقه تاریک شده بود. ناگهان یکی از گلوله‌های خمپاره که نمی‌دانم از خودمان بود یا دشمن، به قسمتی از لوله‌های نفت اصابت کرد و مواد

و ته‌مانده در لوله‌ها آتش گرفت و منطقه مقداری روشن شد. ما آن شب تصمیم داشتیم به گشت و شناسایی برویم و اگر شد، از نزدیک به طرف نیروهای بعثی تیراندازی کنیم، ولی هنوز کسی حرکت نکرده بود. آتش همچنان شعله می‌کشید و منطقه را روشن کرده بود. ناگاه متوجه پیشروی نیروهای متجاوز عراقی شدیم که جلوی لوله‌های نفت در حال پیشروی بودند.

بچه‌ها را سریع بیدار کردیم و خیلی زود همگی آماده دفاع شدیم. فرمانده خط شیر قبلاً به برادران رزمنده گفته بود تا نیروهای عراقی به شما نرسیده‌اند و در فاصله چندین متری شما قرار نگرفته‌اند، به طرف آن‌ها تیراندازی نکنید. آتش همچنان زبانه می‌کشید و مزدوران عراقی جلوی آتش حرکت می‌کردند. بیچاره‌ها فکر می‌کردند که شب تاریکی است و کسی آن‌ها را نمی‌بیند، در صورتی که جلوی آتش کاملاً مشخص بودند. سربازان عراقی همین‌طور پیشروی می‌کردند و هر لحظه که می‌گذشت، به ما نزدیک‌تر می‌شدند. تا این که کم‌کم به نزدیکی خط شیر رسیدند که ناگهان رزمندگان اسلام با فریاد الله‌اکبر، باران آتش آرپی. جی و رگبار مسلسل‌ها را به روی آن‌ها گشودند.

متجاوزین مزدور بعثی به شدت وحشت زده شده بودند. اکثر آن‌ها در همان لحظات اول، در اثر گلوله‌های مجاهدین اسلام به خاک و خون کشیده شده، و بعضی از آن‌ها تسلیم شدند و فریاد «انا مسلم» و «دخیل یا خمینی» سر می‌دادند، و تعدادی از مزدوران نیز مقاومت نمودند.

چند لحظه بعد، تانک‌های عراقی برای کمک به نیروهای پیاده خود وارد منطقه شد. ولی به لطف خدا، تانک‌های آن‌ها نیز توسط برادران مورد اصابت موشک قرار گرفت و در نتیجه حمله آن‌ها با ده‌ها کشته و اسیر پایان یافت.<sup>۱</sup>

از آن‌جا که جبهه دارخوین مسؤولیت بخش عمده‌ای از مأموریت در نبره‌های شرق کارون را در منطقه وسیعی برعهده داشت، چندین اقدام عملیاتی در آن صورت گرفت. نخست تشکیل خط پدافندی غیرقابل نفوذ در خط شیر بود. مخفی بودن خط، به خاطر عدم عارضه ظاهری در سطح زمین، سنگرهای آتش که با حداقل تسلیحات می‌توانست نفوذ دشمن از جناح‌های مختلف را کنترل نماید، هوشیاری لحظه به لحظه مدافعان خط و خنثی بودن آتش دشمن، به

۱. حماسه دارخوین، صص ۳۱ - ۳۰

خاطر شلیک‌های بدون هدف، مسائلی بود که آسیب‌پذیری این خط دفاعی را کم کرده بود.

اقدام دوم، شناسایی مستمر نیروهای اطلاعاتی در منطقه بود که سبب ناامنی منطقه برای دشمن شده بود. طی همین عملیات‌های شناسایی، افرادی همچون محسن موهبت و رضا رضاییان به شهادت رسیدند. سر رضاییان توسط عراقی‌ها از بدنش جدا شده بود.

اقدام سوم آب انداختن در منطقه در ۳ محور بود. انتقال آب کارون در جلوی خطوط دشمن می‌توانست قدرت مانور آن‌ها را محدود کند. برای همین در محور اول از روستای دارخوین کانالی به طول ۵ تا ۶ کیلومتر کشیده شد و آب کارون با استفاده از چندین موتور پر قدرت در کانال پمپاژ و به منطقه دشمن هدایت گردید. در محور دوم، با حضور کارشناسان، طرحی نسبتاً گسترده و با اصول فنی (احداث سد آهنی با استفاده از لوله‌های ضخیم) در روستای هالوب در ۱۵ کیلومتری دارخوین اجرا گردید.

در نوروز سال ۱۳۶۰، آب سد دز در حد بسیار زیادی باز شد و با بالا آمدن آب، مسیر کارون از طریق کانال‌هایی که

ایجاد شده بود، به دشت وسیع حدفاصل کارون تا جاده اهواز - خرمشهر (در منطقه‌ای به طول ۱۳۰ کیلومتر و عرض ۲۵ کیلومتر) هدایت گردید. پس از آن نیروهای خودی مواضع خود را تخلیه کردند و دشمن هم تا جاده آسفالت اهواز - خرمشهر عقب‌نشینی کرد و در مواضع متکی به جاده مستقر شد.

اقدام چهارم، عملیات‌های ایذایی بود که به دشمن اجازه آرامش نمی‌داد و سبب می‌شد که مدام در یک اضطراب و ناامنی قرار داشته باشند. نوع استقرار و تاکتیک به کار گرفته شده توسط نیروهای مستقر در محورهای مختلف جبهه دارخوین که بر اصل استتار و جنگ چریکی استوار بود، قدرت مانور و انعطاف در نیروهای دشمن را به صفر رسانده بود. از این رو، پس از تحمیل پدافند به آن‌ها، هیچ‌گونه اقدام عملی و تعیین‌کننده از جانب عراق تا عملیات فرمانده کل قوا، علیه ما صورت نگرفت.

مهم‌ترین اقدام عملی رزمندگان جبهه دارخوین، جلوگیری از رسیدن دشمن به حاشیه غربی کارون بود. به عبارت دیگر، حضور نیروهای خودی در غرب کارون، حد

فاصل نثاره تا انرژی اتمی و دور نگه داشتن دشمن از ساحل کارون، بدون این که روی آن دید و تیر مؤثر و مستقیم داشته باشد، باعث گردید سرپل مناسبی توسط رزمندگان اسلام تأمین گردد. سیدرحیم صفوی می‌نویسد:

«اولین گام برای حفظ این سرپل مهم که بعداً گسترش یافت، این بود که من در همان اول (اوایل آبان ۵۹) ده نفر را فرستادم آن طرف رودخانه کارون، (جناح غربی دارخوین) و سرپلی ایجاد کردیم که دو هفته بعد مورد حمله دشمن قرار گرفت. این سرپل در جناح راست تا روستای نثاره و در جناح چپ تا روستای مشارع در منطقه‌ای حدود ۴۰ کیلومتر گسترش یافت تا در اردیبهشت ۶۱، راه را برای رسیدن به پیروزی بزرگ بیت‌المقدس هموار نمایند. سرپل منطقه دارخوین آن چنان تعیین کننده بود که باعث گردید تلاش اصلی بر طرح مانور عملیات بیت‌المقدس، در جبهه دارخوین گردد.»<sup>۱</sup>

ج. جبهه ماهشهر: عراق ضمن گسترش نیروهای خود به سمت آبادان، در تلاش بود در اولین فرصت، با رسیدن به

۱. روزهای مقاومت، صص ۳۵-۳۲

جاده آبادان - ماهشهر، آخرین راه زمینی آبادان و خرمشهر را قطع کند. هر چند مقاومت‌های پراکنده‌ای، پس از گذشت دو سه روز از عبور عراق، در منطقه عمومی آبادان شروع شده بود، ولی نیروهای خودی نتوانستند از رسیدن دشمن به جاده ماهشهر جلوگیری کنند. سپاه آبادان در گزارش روز ۲۳ مهر ۵۹ هشدار داد:

«آبادان و خرمشهر به زودی سقوط خواهند کرد...  
تانک‌های عراقی علاوه بر استقرار در جاده اهواز - آبادان، امروز توانستند خود را به جاده ماهشهر - آبادان برسانند و تنها جاده ارتباطی را مسدود نمایند. دشمن از محور ماهشهر، آبادان را محاصر نموده و از طرف دیگر قوای متجاوز عراقی سه چهار کیلومتری شهر آبادان رسیده و در حال پیشروی است.»<sup>۱</sup>

با رسیدن عراق به جاده آبادان - ماهشهر، جبهه جدیدی که از لحاظ پشتیبانی و عقبه متکی به ماهشهر بود، تشکیل گردید. ضمن این که تأمین و پشتیبانی آبادان، هنوز می‌توانست با کندی و دقت بسیار - از لحاظ استتار تردها -

از جادهٔ خاکی ماهشهر صورت پذیرد که استفاده از آن هم با تشدید آتش عراقی‌ها روی آن نسبتاً قطع شده بود.

جبههٔ ماهشهر تفاوت عمده‌ای با دو جبههٔ دیگر داشت: از یک طرف، عراق در این جناح نیاز به حرکت در عمق منطقه یا پیشروی به سمت ماهشهر نداشت؛ زیرا اهداف خود را در پیشروی به سمت آبادان برای تصرف آن و سپس به سمت دارخوین، برای دستیابی به فضای لازم برای گسترش و کم کردن آسیب‌پذیری خود در شرق کارون، جستجو می‌کرد. از طرف دیگر، این جبهه نسبت به دو جبههٔ آبادان و دارخوین، خطوط دفاعی محدودتری داشت. در حقیقت این جبهه بخشی از جبههٔ دفاعی آبادان به حساب می‌آمد، ولی از آن جایی که در جادهٔ آبادان - ماهشهر تشکیل شده بود و جبهه، در محاصره هم محسوب نمی‌شد، به جبههٔ ماهشهر معروف گردید. فاصلهٔ این جبهه تا ماهشهر حدود ۹۰ کیلومتر بود.

## ۴ فصل چهارم

پس از استقرار نیروهای خودی و ارتش عراق در خطوط پدافندی، طراحی عملیات برای عقب راندن دشمن آغاز شد که به آن‌ها اشاره می‌شود:

عملیات سوم آبان ۱۳۵۹: بعد از اشغال شرق کارون توسط نیروهای عراقی، اولین عملیات برای عقب راندن نیروهای دشمن از این منطقه، در ۳ آبان ۱۳۵۹ شکل گرفت. در گزارش‌های روز استانداری خوزستان آمده است:

«در منطقه آبادان، در اتاق جنگ و با حضور فرماندهان ارتش، سپاه و... عملیاتی طرحریزی شد که از نخستین ساعات امروز به اجرا درآمد. ساعت ۵ روز شنبه (۵۹/۸/۳) آتش توپخانه شروع شد و بعد از ساعت ۵:۳۰ جنگ در سه جبهه شروع شد:

جبهه اول؛ محور جاده آبادان - ماهشهر. از طرف آبادان: در این جبهه برادران سپاه، بسیج و عشایر جمعاً ۶۰۰ نفر، به عرض ۴ کیلومتر با سلاح‌های سبک و دو قبضه خمپاره ۶۰، با دشمن به نبرد پرداختند و در مدت نبرد، نیروهای عراقی را که در دو کیلومتری شهر بودند، ده کیلومتر عقب راندند. جبهه دوم، محور جاده آبادان - اهواز: در این جبهه، برادران کمیته و سپاه، مجهز به سلاح‌های نیمه‌سنگین، توانستند دشمن را تا حدودی عقب رانده، مقاومت جانانه‌ای بکنند.

جبهه سوم، محور آبادان - ماهشهر، از طرف ماهشهر: این جبهه متشکل از توپخانه و زرهی بود که تانک‌ها در یک ستون، در حدفاصل جاده و لوله، حرکت می‌کردند و از آتش لوله آن‌ها کاملاً موضع‌شان مشخص می‌شد و در نتیجه در

مقابله دشمن، از بیست تانک، سیزده دستگاه منهدم شد. طی این عملیات، در سه جبهه حداقل دویست کشته (شهید) به جای ماند و برادرانی که دو روز بعد، از این جبهه‌ها گذر کرده بودند، خبر از انبوه زجر و ناله‌های مجروحینی می‌دادند که آتش شدید دشمن، کمک به آن‌ها را غیرممکن ساخته است و اجازه جمع‌آوری اجساد را نمی‌داد. در جریان این عملیات، به دشمن نیز خسارات زیادی وارد شده است.<sup>۱</sup>

بهرام سعیدی، از رزمندگان کرمانی گردان سپاه که در این عملیات نیز حضور داشته است، درباره وضعیت این جبهه روایت می‌کند:

«آن روزها، نه ما و نه عراقی‌ها نمی‌توانستیم خوب بجنگیم. سنگر و خاکریز هم اصولی درست نمی‌کردیم. عراقی‌ها یک خاکریز سی تا چهل سانتی متری داشتند. ما حفره‌ای می‌کندیم و به عنوان سنگر از آن استفاده می‌کردیم. کاملاً همدیگر را می‌دیدیم. شب‌ها نارنجک را داخل چفیه می‌گذاشتیم و به سوی عراقی‌ها می‌رفتیم. سینه‌خیز به پشت خاکریز آن‌ها می‌رسیدیم و با پرتاب نارنجک، صدای عراقی‌ها

را درمی‌آوردیم. چند شب این عمل تکرار شد. شب سوم آن‌ها کمین گذاشتند و تعدادی از بچه‌ها را شهید کردند.»<sup>۱</sup> عملیات توکل: بعد از شکست عملیات در ۳ آبان ۱۳۵۹، به منظور عقب راندن نیروهای دشمن از شرق کارون، طرح عملیاتی توکل توسط ارتش جمهوری اسلامی تهیه شد و در دستور کار قرار گرفت.

بعد از تشکیل ستاد فرماندهی اروند توسط ارتش که از ۲۷ مهر ۱۳۵۹ در ماهشهر شروع به کار کرد و هدایت عملیات خرمشهر، آبادان، ماهشهر، شادگان و دارخوین را در رابطه با نیروهای ارتش به عهده داشت، این فرماندهی تصمیم گرفت تلاش خود را به عقب راندن نیروهای دشمن از شرق رودخانه کارون به کار اندازد و از ۲۵ آذر ۱۳۵۹ این تلاش به طور جدی آغاز گردید.

مأموریت فرماندهی اروند در عملیات توکل، عقب نشانیدن نیروهای عراقی از شرق کارون، شکستن محاصره آبادان، ادامه حمله به سمت غرب و عقب راندن نیروهای دشمن

---

۱. نبرد کرخه کور (مهر ۱۳۵۹ تا شهریور ۱۳۶۰)؛ تاریخ‌نامه دفاع مقدس استان کرمان، نقش بسیج و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی حماسه ثارالله، عباس میرزایی، تهران، سوره مهر، ۱۳۹۰، ص ۳۶

از خاک جمهوری اسلامی ایران در این منطقه و در نهایت ترمیم خط مرز بود.<sup>۱</sup> حمله در اولین دقایق آغاز روز ۲۰ دی ۱۳۵۹ شروع شد و تا نزدیکی ظهر همان روز ادامه یافت. در تلاش اصلی که از محور ماهشهر، با اتکا به نیروی زرهی انجام شد، نیروهای خودی قبل از شکستن خط مقابله با دشمن متوقف شدند؛ لیکن در محور آبادان، خط دشمن شکسته شد و تعدادی از نیروهای عراقی اسیر شدند، اما به علت عدم موفقیت در محور ماهشهر و عدم الحاق آن محور با محور آبادان، رزمندگان به مواضع قبلی خود بازگشتند.<sup>۲</sup> عملیات شهید مؤذنی: نیروهای عراقی، با استقرار در تپه‌های مدن، علاوه بر این که جاده قفاص را کنترل می‌کردند، بر شهر آبادان دید داشتند و آن را زیر آتش خود قرار می‌دادند. رزمندگان پس از این که در عملیات کوی ذوالفقاری، ارتش عراق را تا پشت جاده قفاص عقب راندند، حدود ده روز بعد با حمله دیگری، دشمن را ناچار به عقب‌نشینی کردند.

۱. ارتش جمهوری اسلامی در هشت سال دفاع مقدس، ج ۳، صص ۱۹۸-۱۹۷.

۲. اطلس راهنما ۱؛ خوزستان در جنگ، ص ۴۳.

این عملیات با شیوه کلاسیک (محدود) اجرا شد. برای آزادسازی این تپه‌ها، در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۶۰، دو گروهان ادغامی از ارتش، سپاه و بسیج به فرماندهی رضا مؤذنی در عملیاتی محدود، از دو طرف به تپه‌های مدن حمله کردند و در همان لحظات اول، یکی از تپه‌ها را آزاد کردند. ساعتی بعد، تپه دوم نیز به تصرف رزمندگان درآمد.

این تپه‌ها چندین بار دست به دست شد و در نهایت با اسارت ۸۵ تن از نیروهای دشمن، به تصرف رزمندگان درآمد. در این عملیات محدود، ۵۵ نفر از رزمندگان شهید شدند که از جمله آن‌ها رضا مؤذنی فرمانده یکی از گروهان‌ها بود؛ لذا این عملیات به نام ایشان معروف گردیده است. با آزادسازی تپه‌های مدن، جاده قفاص تقریباً از دید و تیررس نیروهای عراقی خارج و تردد در آن میسر شد.<sup>۱</sup>

---

۱. اطلس جغرافیای حماسی ۱، ص ۹۱ و نبردهای شرق کارون به روایت

## فصل پنجم

«رزمندگان جبهه توحید در خط شیر پخش می‌شوند تا دقایقی را در سنگرهایی که مدتی محراب عبادت آن‌ها بوده است، سپری کنند. این جا دنیای دیگری است؛ جدا از دنیایی که دیگران برای خود ساخته‌اند. خط شیر، مظهر بریدن از مظاهر پوچ و ساختگی است و خدای بزرگ و مهربان، در قلب‌های عاشق آن‌ها جای گرفته است.

خط شیر، معراج روح‌های بزرگ است. یاران این راه، نفس اماره را به بند کشیده و شیطان را از خود رانده‌اند. آن‌ها چه

ساده و علی‌گونه در آن شرایط سخت، شب‌های گرم را به صبح رساندند و دست‌های آن‌ها از نیش پشه‌های حاشیه کارون تاول زده بود. چه خوب بودند آن‌ها که نگاه‌شان فقط در چشمان امام بود و راهی می‌جستند تا لبخندی بر لبان آن فقیه کامل بنشانند.

فرمانی دهان به دهان در خط شیر پخش می‌شود. نیروهای هر گروهان، خیلی زود یکدیگر را پیدا می‌کنند و به طرف کانال خط که فاصله آن‌ها را با عراقی‌ها کم کرده است، حرکت می‌کنند. کانال، نتیجه زحمات شبانه‌روزی مردان سلحشوری چون عباس محسنی است و با استفاده از آن، دشمن به طور کامل غافل‌گیر خواهد شد.

ساعت سه بعدازنیمه شب است. گردان ستون می‌شود و شیران، آرام و باوقار حرکت می‌کنند. مصطفی ردانی‌پور و حسین خرازی، در سرازیری اول کانال ایستاده‌اند تا با نیروهای تک‌رو وداع کنند. حسن باقری هم آن‌جاست. لبخند، همراه با اشک شوق، یک لحظه از چهره زیبا و دوست‌داشتنی او محو نمی‌شود. هر زمان دست رزمنده‌ای را گرفته و می‌بوسد و با نوازش دست، آن‌ها را به داخل کانال

روانه می‌کند. توان رزمی عالی و روحیهٔ نیروها غیرقابل تصور است. آن‌ها با دیدن حسن باقری، جملاتی را بیان می‌کنند که آخرین کلام و حدیث عشق است:

- سلام ما را به امام برسانید.

- بگویید خیلی دوستش داریم.

کانال درست به سمت قبله است. بچه‌ها در سکوت پیش می‌روند تا به انتهای کانال نزدیک شوند. گلوله‌های سرخ‌فام تیربارهای دشمن، از بالای کانال می‌گذرد. خمپاره‌ای در چند متری بالای کانال منفجر می‌شود و علف‌ها را به آتش می‌کشد...<sup>۱</sup>

پس از عملیات تپه‌های مدن در جنوب منطقهٔ اشغالی شرق کارون، و در ببحوحهٔ بحران داخلی کشور، عملیاتی با نام «فرمانده کل قوا، خمینی روح خدا» در شمال این منطقه، در محور دارخوین در دستور کار قرار گرفت. این نام برای عملیات، از آن جهت انتخاب شده بود که عملیات، روز پس از عزل بنی‌صدر از فرماندهی کل قوا انجام شد و

---

۱. هزار قلّه عشق؛ خاطراتی از سردار سرلشکر حاج حسین خرازی فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین (ع)، سیدعلی بنی‌لوحی، تهران، لشکر ۱۴ امام حسین (ع) سپاه پاسداران،

در آن موقعیت بحرانی، تأکیدی بر پیوند رزمندگان با امام خمینی(ره) بود.

به هنگام تدارک مقدمات عملیات، شهید بهشتی از منطقه بازدید و در دیدار با رزمندگان، آن‌ها را به مقاومت و پایداری دعوت کرد؛ چراکه در این موقع، درگیری بنی‌صدر و جناحش با نیروهای خط امام به اوج خود رسیده و اثرات نامطلوبی بر انقلاب و جنگ تحمیلی گذاشته بود. در شب عملیات، بنی‌صدر توسط امام خمینی(ره) از فرماندهی کل قوا عزل شد. طنین خوش این خبر، جبهه‌ها را غرق شادی و سرور کرد و نام عملیات که تا همان شب دقیقاً مشخص نشده بود، بر اساس این تصمیم امام، نام‌گذاری شد.<sup>۱</sup>

در طراحی این عملیات با فرماندهی سپاه پاسداران، پیش‌بینی شده بود که به منظور کوتاه کردن فاصله خط خودی (خط‌شیر) از خط دشمن، کانالی حفر شود. طراح حفر کانال شهید محمود پهلوان‌نژاد بود. بر همین اساس، طی سه ماه، کانالی به طول ۱۷۵۰ متر، عرض ۵/۰ و عمق

---

۱. کارنامه توصیفی عملیات رزمندگان اسلام در طول ۸ سال دفاع مقدس، علی سمیعی، لشکر ۱۶ قدس گیلان، نمایندگی ولی فقیه در نیروی زمینی، ۱۳۷۶، ص ۳۸

۱/۴ متر از سطح زمین، تا ۲۵۰ متری خط دفاعی دشمن حفر کردند.<sup>۱</sup> این اقدام در هوای گرم جنوب و با استفاده از اصل غافل‌گیری صورت گرفت.

نیروهای رزمنده در جبهه خط شیر، از این که روزها می‌گذشت و خبری از عملیات نبود، ناراحت بودند و به مسؤولین فشار می‌آوردند. بالاخره با تلاش فرماندهانی چون حسین خرازی، سیدعلی بنی‌لوحی، علی زاهدی و برخی از مسؤولین محورهای عملیاتی از جمله محمود پهلوان‌نژاد، منصور موحدی و رضا رضایی طرح عملیات تصویب شد.

رحیم صفوی، فرمانده وقت عملیات سپاه در جنوب، با ورود به انرژی اتمی و سخنرانی در ۲۰ خرداد، مژده داد که سحرگاه فردا بر مزدوران بعثی حمله خواهیم برد و آن‌ها را تا پل مارد عقب خواهیم راند.

«جیب‌ها همین‌طور در حال بردن نیرو از انرژی اتمی به خط شیر بودند و برادران با عشقی عجیب، با شعار «الله اکبر، خمینی رهبر» و «درود بر روح خدا، فرمانده کل قوا» سوار ماشین‌ها می‌شدند و به طرف خط مقدم جبهه حرکت

۱. اطلس راهنما؛ ۱؛ خوزستان در جنگ، ص ۴۳

می‌کردند. ساعت یازده شب، کار تخلیه نیروها تمام شد. رزمندگان در خط مقدم مستقر شده بودند که ناگهان خبری هیجان‌انگیز و خوشحال‌کننده به برادران رسید و آن خبر برکناری بنی‌صدر از فرماندهی کل قوا بود.<sup>۱</sup>

در این عملیات، حدود ۳۰۰ تن از رزمندگان سپاه و بسیج شرکت داشتند و یک آتشبار توپخانه از ارتش آنان را پشتیبانی می‌کرد. عملیات در ساعت ۳:۴۰ بامداد ۲۱ خرداد ۱۳۶۰ پس از اجرای ۱۰ دقیقه آتش توپخانه آغاز شد. سردار رحیم صفوی درباره این عملیات می‌گوید:

«با عدهٔ خیلی - حدود ۳۲۰ نفر - به لشکر ۳ زرهی تقویت‌شدهٔ عراق حمله کردیم و حدود ۳/۵ کیلومتر پیشروی کردیم و با همکاری شهید مهندس طرحچی، از بچه‌های جهاد سازندگی، خاکریز زدیم. عراقی‌ها هشت شبانه‌روز پاتک کردند و نتوانستند آن خاکریز را بگیرند. در روز سوم یا چهارم، ترکش به سرم اصابت کرد و از صحنه خارج شدم. بنابراین شهید حسن باقری فرماندهی خط مقدم را عهده‌دار شد و جبهه‌ها را نگه داشت.

۱. حماسهٔ دارخوین، صص ۴۲ - ۴۱

بدین ترتیب خط سقوط نکرد و آن منطقه تصرف شد. همان عملیات، مقدمه شکستن حصر آبادان را در ۵ مهر همان سال فراهم کرد.<sup>۱</sup>

یکی از رزمندگان می گوید:

«ساعت ۳ بامداد با ۳ گردان حرکت کردیم. گردان ما از طریق کانال، در حدود ساعت ۴ بامداد در ۲۰۰ متری دشمن، پشت موانع طبیعی (تپه‌های کوچک و بوته‌ها) مستقر شد. نماز صبح را همان جا نشسته خواندیم و رأس ساعت ۴، سه گردان همه با هم به طرف دشمن حمله‌ور شدیم.

دشمن طبق معمول هر چند دقیقه یک بار رگباری روی زمین می‌گرفت؛ ولی به لطف خدا، به کسی اصابت نمی‌کرد و تمام گلوله‌های دشمن از پهلوی رزمندگان اسلام زوزه‌کشان رد می‌شد. تا این که نزدیک تر شدیم و ناگهان نگهبانان عراقی متوجه ما شدند و شروع به تیراندازی کردند. برادران زیر رگبار گلوله‌ها با فریاد دشمن شکن الله‌اکبر به حرکت خود ادامه دادند.<sup>۲</sup>

۱. فرماندهان دفاع مقدس؛ شهید حسن باقری (مجموعه مقالات، سخنرانی‌ها و دست‌نوشته‌ها)، سعید سرمدی، تهران، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه

پاسداران، ۱۳۹۰، ص ۳۰

۲. حماسه دارخوین، ص ۴۵

از جمله مسائل مهم در این عملیات، میادین مینی بود که عراقی‌ها ایجاد کرده بودند. در پیروزی عملیات فرمانده کل قوا در جبهه دارخوین، واحد تخریب نقش اساسی داشت. گروه تخریب توانست میادین گسترده مین دشمن را خنثی سازد. مرتضی تیموری از رزمندگان اسلام، در خاطرات خود می‌نویسد:

«در عملیات فرمانده کل قوا، خمینی روح خدا، برادران گروه تخریب، از یک ماه قبل از عملیات وارد منطقه گردیده و موفق شدند تمام خطوط مین گذاری شده دشمن را کاملاً خنثی کنند. در این عملیات، برادران گروه تخریب، عملیات خنثی‌سازی میدان مین را در زیر آتش شدید گلوله‌های دشمن بعثی، با موفقیت کامل به انجام رساندند و با ساختن کوکتل مولوتف، به کمک دیگر برادران رفته و چندین تانک و سنگر دشمن را به آتش کشیدند.»<sup>۱</sup>

متجاوزین عراقی، در این مدت، مواضع محکمی از نظر جنگی و نظامی ساخته بودند. از جمله، سنگر فرماندهی

---

۱. معبر؛ مجموعه خاطرات، مهدی لندی اصفهانی، کنگره بزرگداشت سرداران شهید استان اصفهان و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، لشکر ۱۴ امام حسین (ع)،

آن‌ها که اتاق بزرگی بود در زیرزمین و با بتن آرمه ساخته شده و سقف و دیوار آن با فیبرهای زیبا پوشانده شده بود. سنگر دیگری نیز مشاهده شد که در حدود ۶۷ تیرآهن سقف آن را پوشانده بود و روی آن الوار چیده و بر روی آن‌ها چندین متر خاک ریخته بودند، گویی این استحکامات از نابودی آنان جلوگیری می‌کرد.<sup>۱</sup>

دپوها و سنگرهای عراقی توسط رزمندگان یکی پس از دیگری فتح شد. رزمندگان اسلام، با آن‌چه از سلاح و مهمات که در اختیار داشتند، به سرعت خود را به دپوی سوم دشمن رساندند. هوا گرم و آفتابی و نزدیک ظهر بود و تعداد نیروها هم کاهش یافته بود. دشمن قصد باز پس‌گیری سنگرهای خود را داشت و مرتب تیراندازی می‌کرد. یکی از رزمندگان می‌گوید:

«در آن حال که از نظر نیرو و مهمات تا حدی در مضیقه بودیم، دست به عقب‌نشینی تاکتیکی زده و تا نزدیکی دپوی دوم که در واقع شش کیلومتری محمدیه بود، عقب‌نشینی کردیم که حدود دو کیلومتر از پیشروی اولیه به عقب

۱. حماسه دارخوین، صص ۴۸-۴۶

برگشتیم، در حالی که نیمی از شهدا و زخمی‌ها در همان محل (بین دپوی دوم و سوم) روی زمین افتاده بودند. با برادران تازه‌نفس کمکی که از راه رسیده بودند، جایمان را عوض کردیم و تصمیم گرفتیم به سراغ اجساد شهدا برویم و آن‌ها را هرچه زودتر به پشت جبهه بیاوریم. ولی متأسفانه تعدادی از آن‌ها را به علت این که در منطقه خطرناکی بودند و دشمن روی آن‌ها آتش شدید داشت، نتوانستیم بیاوریم.<sup>۱</sup> طی این عملیات، ۳ کیلومتر از مواضع اشغال شده توسط دشمن آزاد شد. واکنش دشمن نسبت به این عملیات شدید بود و یک هفته کوشید منطقه آزاد شده را بازپس بگیرد. رزمنده‌ای می‌گوید:

«تا سه روز پس از حمله، مزدوران عراقی با آتش سنگین خود مواضع ما را می‌کوبیدند که کم‌کم آتش آن‌ها سبک شد و جبهه به حالت عادی برگشت.»<sup>۲</sup>

نیروهای خودی نیز در همان روز اول برای تثبیت موفقیت به دست آمده، بخشی از منطقه آزاد شده را تخلیه

۱. حماسه دارخوین، صص ۵۷-۵۶.

۲. حماسه دارخوین، ص ۸۸.

کرده، با اتکا به خاکریزی که در شب اول عملیات احداث شده بود، موقعیت خود را تثبیت کردند و پاتک‌های دشمن را خنثی نمودند.

یکی از افسران ارشد عراقی که به اسارت نیروهای ایران درآمده بود، می‌گفت:

«ما اصلاً فکرش را نمی‌کردیم که شما از چنین دشتی وسیع و پهناور و صاف و آن هم پیاده و از روبه‌رو به ما حمله کنید.»<sup>۱</sup>

سیدعلی بنی‌لوحی، درباره‌ی خاطرات خود با شهید حسین خرازی در این عملیات می‌نویسد:

«رزمندگان خط شیر، یعنی خط مقدم درگیری در جبهه‌ی دارخوین، پس از شکستن خط اول و نفوذ در منطقه‌ی نبرد، به خط سوم عراقی‌ها رسیدند. طرح این بود که دشمن در خاکریز سوم سرگرم شود تا بلدوزرها بتوانند خط جدید را تکمیل کنند و پدافند منطقه‌ی تصرف شده، برقرار شود.

دشمن به فشارهای خود ادامه می‌داد. تعداد تانک‌های آن‌ها زیادتر شد و ساعت ۷ صبح بچه‌ها در محاصره قرار

---

۱. حماسه‌ی دارخوین، ص ۸۹

گرفتند. درگیری به جنگ تن به تن کشیده شده بود. هر زمان یکی از رزمندگان با استفاده از کوکتل مولوتف بر تانک‌های دشمن هجوم می‌آورد. یاران امام یکی پس از دیگری به شهادت می‌رسیدند؛ منصور موحدی، علی عمرو، فرج‌الله سنایی و...

من با سینه‌خیز از تیررس عراقی‌ها خارج شدم و با سرعت به طرف خط شیر حرکت کردم. در مسیر سه کیلومتری که می‌آمدم، تانک‌های منهدم‌شدهٔ دشمن را شمردم. بیش از ۳۰ دستگاه بود. در کنار کانال خط شیر، در حال دویدن بودم که به حسین آقا (شهید خرازی) برخوردم. تنها و بدون اسلحه، به طرف محل درگیری در حرکت بود.

جلوی او را گرفتم و با عجله وضعیت را شرح دادم؛ زیرا لازم بود هر چه زودتر نیروهای پراکنده جهت استقرار در خط پدافندی جدید جمع‌آوری شوند.

حسین مصمم بود که باید خودش را به بچه‌ها برساند. اولین باری بود که به خاطر مسؤولیت خود، ناچار شده بود از شلیک آر.پی.جی محروم شود و عملیات را از طریق بیسیم هدایت کند. فهمیده بود که بهترین یارانش را از دست داده

است. با هم به طرف خط پدافندی جدید که به نام شهیدان علی، عباس و رضا، خط رضایی‌ها نام گرفت، حرکت کردیم. آتش سنگین دشمن که به وسیله توپخانه‌های مستقر در غرب کارون شلیک می‌شد، منطقه را به آتش کشیده بود. با حضور حسین، خط سروسامانی گرفت و از همان روز، تدابیر لازم برای عملیات بزرگ ثامن‌الائمه آغاز گردید. حسین نیمی از یاران قدیمی خود را در عملیات فرمانده کل قوا از دست داد. او بارها می‌گفت: غم شهیدان خاکریز سوم، کمر ما را شکست.<sup>۱</sup>

مرتضی علیجانی، درباره پاتک عراقی‌ها بعد از شکست در عملیات فرمانده قوا چنین روایت می‌کند:

«بعد از عملیات فرمانده کل قوا، یک شب عراقی‌ها از ساعت ۶ بعدازظهر تا ۱۲ شب اقدام به اجرای آتش تهیه بر روی نیروهای ما در منطقه محمدیه کردند. بعد از آتش تهیه، عراقی‌ها از کنار لوله‌های نفت که در امتداد جاده اهواز - آبادان قرار داشت، خود را به پشت سر نیروهای اسلام

---

۱. خورشید شلمچه؛ خاطراتی از علمدار جبهه‌ها حاج حسین خرازی، سیدعلی بنی‌لوحی، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۰، صص ۱۹-۱۸.

رساندند. ما از این موضع خبر نداشتیم. دو تن از نیروهای ما که در قسمت استراق سمع کار می‌کردند، از طریق استراق کردن بیسیم‌های دشمن، متوجه شدند که نیروهای عراقی پشت سر ما موضع گرفته‌اند. گروه تخریب در آن منطقه ۲ سنگر داشت؛ چند نیرو در خط اول در یک سنگر بودند، چند نیروی دیگر با فاصله سه چهار کیلومتری در سنگر عقب.

آن شب نابهنگام به ما خبر داده شد که عراق حمله کرده است. سریعاً اتومبیل را پر از مهمات کردیم و به خط اول رفتیم. وقتی به خط اول رسیدیم، متوجه شدیم نیروهایی که در خط اول مستقر هستند، هنوز از تک دشمن خبر ندارند. هدف دشمن این بود که از پشت سر منطقه را پاکسازی کند و به طرف خط اول بیاید.

نیروهای ما در خط اول سریعاً موضع گرفتند و از آن طرف نیروهای استراق سمع، با یکی کردن فرکانس‌های بیسیم خود با بیسیم دشمن، اختلال عجیبی در بین نیروهای عراقی ایجاد کردند و با دستورهایی خلاف دستورات فرماندهان عراقی، موجب شدند که آتش توپخانه و خمپاره دشمن، بر

سر نیروهای عراقی ریخته شود. از این طرف ما نیز با اقدام آتش روی نیروهایی که از جلو آمده بودند، موجب شدیم که دشمن عقب‌نشینی کند.

هنگامی که هوا روشن شد، حدود شصت هفتاد جنازه عراقی را که شب قبل توسط آتش خود آن‌ها کشته شده بودند، مشاهده کردیم. از آن زمان به بعد، عراقی‌ها هیچ‌گاه به خود جرأت ندادند که شب هنگام به ما حمله کنند.<sup>۱</sup>

در این عملیات، با آزادسازی حدود چهار کیلومتر مربع از منطقه اشغالی جنوب سلمانیه، خط مقدم به پل مارد نزدیک‌تر شد که به همین دلیل دشمن این پل را برچید و به پل قصبه و سپس پل حفار متکی شد. این عملیات، هم از نظر روحی و فکری و هم از نظر نظامی و تاکتیکی (اجرای عملیات در شب) اهمیت به‌سزایی داشت و با شکستن رکود چند ماهه، عملاً مقدمه عملیات شکستن محاصره آبادان را فراهم کرد.

## ۶ فصل ششم

چهاردهم آبان ۱۳۵۹، زمانی که فرمان امام خمینی (ره) مبنی بر این که «حصر آبادان باید شکسته شود» صادر شد، کمتر از یک هفته از تلاش نیروهای عراقی برای تصرف آبادان در منطقه کوی ذوالفقاری می‌گذشت. امام خمینی (ره) در سخنان خود در حسینیه جماران، در آستانه ماه محرم گفتند: «من منتظرم که این حصر آبادان از بین برود. و هشدار می‌دهم به پاسداران، قوای انتظامی و فرماندهان قوای انتظامی که باید این حصر شکسته بشود؛ مسامحه

نشود در آن، حتماً باید شکسته بشود. فکر این نباشند که ما اگر این‌ها هم آمدند، بیرون‌شان می‌کنیم. اگر این‌ها آمدند، خسارات بر ما وارد می‌کنند. نگذارند این‌ها بیایند در آبادان وارد بشوند.»<sup>۱</sup>

امام خمینی(ره)، برای اولین بار، صحبت خود را با «باید» شروع کرد که نشان از اهمیت شکستن حصر آبادان داشت. در آن روزها، تمام راه‌های زمینی به آبادان قطع بود و شهر در مدار ۲۷۰ درجه محاصره شده بود.

اهمیت و ارزش منطقه آبادان و شرق کارون، موقعیت نیروهای خودی، وضعیت زمین و نحوه استقرار دشمن و به خصوص فرمان امام خمینی(ره) در آبان ۱۳۵۹ برای شکستن هر چه سریع‌تر محاصره آبادان، سبب گردید تا فرماندهان این منطقه را مورد توجه خاص خود قرار دهند. در اوایل اردیبهشت ۱۳۶۰، پس از کسب اطلاعات جامع و کامل، طرح حمزه سیدالشهداء در ستاد عملیات جنوب تهیه و تدوین شد. رحیم صفوی به عنوان نماینده سپاه، طرح را در جلسه‌ای در پایگاه هوایی دزفول که در آن اعضای

۱. صحیفه امام خمینی، جلد ۱۳، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ص ۳۳۳

شورای عالی دفاع حضور داشتند، مطرح کرد. این طرح در حضور حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، هاشمی رفسنجانی، مرحوم قاسمعلی ظهیرنژاد، شهیدان ولی‌الله فلاحی و محمدعلی رجایی و آقایان علی‌اکبر پرورش و شهید محمد منتظری به عنوان نمایندگان امام خمینی (ره) به تصویب رسید.

طرح بر اساس امکانات و توانایی‌های سپاه و بدون حضور ارتش تهیه شده بود؛ لذا دستور هماهنگی این دو نیرو داده شد و پس از برکناری بنی‌صدر از فرماندهی کل قوا، امکان همکاری مشترک سپاه و ارتش نیز میسر شد. در وضعیت جدید، سپاه مجدداً طرح خود را که کامل‌تر نیز کرده بود، به شورای عالی دفاع ارائه کرد.

طرح و نقشه عملیات در اواخر خرداد ۱۳۶۰ در یک جلسه مشورتی با حضور جانشین ریاست ستاد مشترک ارتش، فرمانده نیروی زمینی، فرماندهان لشکرهای ۱۶، ۲۱، ۷۷ و ۹۲ ارتش و فرمانده سپاه پاسداران خوزستان، با حضور حجت‌الاسلام اشراقی نماینده امام و دکتر مصطفی چمران، در دفتر فرمانده لشکر ۹۲ زرهی اهواز تشکیل شد و در مورد چگونگی حرکات و اقداماتی که باید انجام گیرد، بحث

و گفت‌وگو به عمل آمد. در نهایت، طرح حمزه به پیشنهاد ارتش، به نام مبارک ثامن الائمه (ع) تغییر یافت.<sup>۱</sup>

بلافاصله پس از تصویب طرح عملیات، ایجاد هماهنگی لازم بین ارتش و سپاه و تعیین محورهای هجوم، آموزش و سازماندهی نیروها در محورهای مورد نظر و همچنین اقدامات مهندسی در دستور کار قرار گرفت و در اطراف سرپل عراق، به ترتیب از شمال به جنوب: محورهای دارخوین، ماهشهر، ایستگاه ۷ و ۱۲ و فیاضیه، در منطقه‌ای با وسعت ۱۳۰ کیلومترمربع که از شمال به روستای محمدیه، از جنوب به شهر آبادان، از شرق به جاده آبادان - ماهشهر و از غرب به رودخانه کارون محدود می‌شد، برای اجرای عملیات تعیین گردید.<sup>۲</sup>

مرتضی علیجانی از گروه تخریب می‌نویسد:

«بعد از عملیات فرمانده کل قوا، شناسایی برای عملیات ثامن الائمه شروع شد. ما در گروه تخریب ۸ نفر نیرو بودیم که می‌بایست ۷ معبر در میادین دشمن باز کنیم. هر نفر

۱. اولین‌های دفاع مقدس، صص ۱۱۲-۱۱۱

۲. اطلس جغرافیای حماسی ۱، ص ۹۶

وظیفه داشت یک معبر باز کند و برادر مجید حاج شفیعی‌ها مسؤولیت توجیه نیروها را برعهده داشت.

معبری که من مسؤولیت باز کردن آن را به عهده داشتیم، بین جاده اهواز - آبادان و رودخانه کارون بود و این معبر حساس‌ترین و مهم‌ترین معبری بود که می‌بایست باز شود. عراقی‌ها روی جاده که در چند متری این معبر بود، سنگر کمین احداث کرده بودند و شب‌ها داخل آن کمین می‌کردند. هوا گرگ و میش بود. با برادر مجید حاج شفیعی‌ها، از خاکریز به آن طرف رفته و تا نزدیکی سنگر کمین عراقی‌ها پیش رفتیم. مجید معتقد بود که راه باز است و میدان مینی وجود ندارد، ولی من مطمئن نبودم؛ لذا به مجید گفتم: «همین جا بمان تا من بروم و راه را بررسی کنم و برگردم.» با احتیاط و خواندن آیه و جعلنا از کمین عراقی‌ها رد شدم. در همین حین، با یک ردیف مین منور برخورد کردم؛ آن‌ها و ردیف‌های دیگر را هم که شامل مین‌های پدالی و والمر بود، خنثی کردم. برادر حاج شفیعی‌ها از این که من دیر کردم، نگران شده و خود را به آن طرف کمین رساند و متوجه میدان مین شد.

بعد از باز کردن معبر و اطمینان از این که سیم‌های خاردار فاقد جریان الکتریسیته است، به عقب برگشتیم. زمان حمله فرا رسید و نیروهای گروه پیاده وارد عمل شدند و با انهدام سنگرها، به خط پدافندی دشمن یورش بردند و دشمن را مجبور به عقب‌نشینی کردند. من نیز اقدام به عریض کردن معبر و علامت‌گذاری آن کردم تا وسایل مکانیزه که بعداً وارد عمل می‌شوند، دچار سانحه نگردند.<sup>۱</sup>

در این عملیات، چند محور برای هجوم در نظر گرفته شد و فلش اصلی عملیات، درست برعکس محوری بود که دشمن تصور داشت و روی آن سرمایه‌گذاری کرده بود. چرا که مواضع و استحکامات دشمن بیشتر در محور جاده ماهشهر - آبادان و نهر شادگان متمرکز شده بود، اما حاشیه کارون از شمال و جنوب به عنوان محور اصلی در طراحی عملیات منظور شد.<sup>۲</sup>

این طرح در ساعت یک بامداد ۵ مهر ۱۳۶۰ با نام عملیات ثامن‌الائمه و با رمز «نصر من الله و فتح قریب» با

---

۱. معبر، صص ۳۴ - ۳۳

۲. اطلس جغرافیای حماسی ۱، صص ۹۶ - ۹۵

هدف تصرف پل‌های دشمن بر روی رودخانه کارون، تصرف و تأمین جاده آبادان - ماهشهر و آبادان - اهواز و در نهایت، به منظور شکست محاصره آبادان و انهدام نیروهای دشمن در سه محور دارخوین، فیاضیه و جاده آبادان - ماهشهر به اجرا درآمد. آغاز عملیات آفندی ثامن‌الائمه در شب، به دلیل گرمای شدید هوا در روز - حدود ۴۲ درجه در مهرماه - بود؛ چرا که در چنین گرمایی، اجرای مداوم عملیات برای رزمندگان بسیار مشکل بود.

وضعیت گسترش نیروهای عراقی در منطقه سرپل شرق کارون بدین شرح بود: تیپ ۸ مکانیزه با ۳ گردان مکانیزه و یک گردان تانک در قسمت شمالی سرپل و در جنوب سلمانیه؛ تیپ ۶ زرهی لشکر ۳ زرهی با ۳ گردان تانک و یک گردان مکانیزه در قسمت مرکزی و شرقی در شمال جاده ماهشهر - آبادان؛ و تیپ ۴۴ پیاده لشکر ۱۱ پیاده زیر امر لشکر ۳ زرهی در قسمت جنوبی سرپل و جنوب جاده ماهشهر - آبادان. با توجه به دستور عملیاتی تیپ ۸ مکانیزه لشکر ۳ زرهی عراق در ۲۶ مرداد ۱۳۶۰، با وجود توان بالای نظامی بعضی‌ها، چنین استنباط می‌شد که نیروهای عراقی از

تک‌های محدود، ولی متناوب رزمندگان اسلام در اضطراب و نگرانی فوق‌العاده‌ای بودند و انتظار یک تک وسیع و عمومی از طرف نیروهای ایرانی را داشتند.<sup>۱</sup>

دستیابی سریع به پل‌های قصبه و حفار بر روی رودخانه کارون، محور طرح‌ریزی عملیات ثامن‌الائمه را تشکیل می‌داد؛ به گونه‌ای که محور دارخوین مسؤؤل تصرف پل قصبه و محور فیاضیه مسؤؤل تصرف پل حفار شد و سه محور دیگر به عنوان هدف‌های فرعی، می‌بایست این دو محور را در جهت رسیدن به اهداف یاری می‌کردند.<sup>۲</sup>

در محور دارخوین، محور شمالی حمله، به فرماندهی شهید حسن باقری، بهترین راه‌کار حمله به نیروهای عراق ارائه شد؛ دست یافتن به نقطه ضعف دشمن و آماده کردن زمین خودی برای حمله، از محور شناسایی شده‌ای که دشمن از آن غافل بود و حتی تصورش را نیز نمی‌کرد که نیروی قابل توجه‌ای از آن محور حمله‌ور شود، باعث تسریع در سقوط پل حفار که از هدف‌های محور جنوبی بود، شد.

---

۱. تحلیلی بر وقایع صحنه عملیات خوزستان در سال اول جنگ، ص ۲۱۴

۲. اطلس جغرافیای حماسی ۱، ص ۹۶

از این محور، نه تنها تیپ ۸ مکانیزه تقویت شده و لشکر ۳ زرهی عراق به طور کامل محاصره و منهدم شد، بلکه با استفاده از موفقیت نیروهای محور دارخوین، کمک زیاد و دور از انتظاری به دو محور جنوبی، محورهای ایستگاه ۷ و فیاضیه، شد و محورهای تحت امر حسن باقری، با عبور از محور دارخوین و پس از عبور از پل مارد و انهدام پل قصبه، به سمت جنوب سرازیر شدند و پیشروی را تا رسیدن به پل حفار ادامه داده و به نیروهای محور جنوبی ملحق شدند.<sup>۱</sup>

مرتضی تیموری یکی دیگر از نیروهای واحد تخریب دربارهٔ وظیفه این گروه و تخریب پل‌های مذکور می‌گوید:

«در عملیات ثامن‌الائمه، چندین میدان مین دشمن را که بعضی از آن‌ها در پشت نیروهای عراقی قرار داشت، خنثی کردیم و رزمندگان اسلام توانستند به راحتی از آن‌ها عبور کنند و حصر آبادان را بشکنند. در این عملیات، دو پل استراتژیک دشمن که بر روی رودخانهٔ کارون زده شده بود، با یک عملیات معجزه‌آسا منهدم شد و در نتیجهٔ منهدم شدن این دو پل توسط گروه تخریب، قدرت هر گونه تحرک

۱. فرماندهان دفاع مقدس، صص ۹۵-۹۴

و ضدحمله از دشمن سلب گردید. به همین جهت، می‌توان عملیات حصر آبادان را تنها عملیاتی دانست که دشمن نتوانست ضدحمله کند. در این عملیات، نیروهای تخریب، حدود ده هزار مین دشمن را تخریب کردند.<sup>۱</sup>

بر اساس طرح عملیات، قرار بود نیروهای خودی با رعایت اصل غافل‌گیری کامل، از منطقهٔ تجمع و موضع حمله به سمت خط عزیمت و سپس از خط احتمالی گسترش راهپیمایی کنند و پس از رسیدن به موانع و میدان‌های مین دشمن و حصول از اطمینان از باز بودن معابر، از آن‌ها عبور نموده و پس از گسترش روی خط احتمالی، به طور ناگهانی به مواضع خط مقدم دشمن هجوم برند و خاکریزهای دشمن را حتی‌المقدور بدون زد و خورد اشغال نمایند. به همین علت، پیشروی نیروهای خودی، سریع به وسیلهٔ دشمن کشف نگردید و نیروها با تأمین کافی، به نزدیکی اولین خاکریزهای دشمن رسیدند.

با رسیدن نیروهای ایرانی به خاکریز دشمن، عملیات کشف شد و دشمن عکس‌العمل نشان داد. لذا به درخواست

واحدهای مستقر در خط، آتش تهیه که برای مدت ۱۰ دقیقه پیش‌بینی شده بود، اجرا گردید. در منطقه هر سه تیپ، خاکریزهای مقدم دشمن که احتمالاً به وسیله عناصر تأمین اشغال شده بود، به تصرف رزمندگان ایرانی درآمد و مقاومت قابل ملاحظه‌ای در خاکریزهای اول دشمن مشاهده نگردید؛ به نحوی که در ساعت اول حمله، تمام واحدها توانستند خاکریزهای اول دشمن را تصرف نمایند.

«تیروهای سپاه، بسیج و ارتش، با عبور از میدان‌های مین، تله‌های انفجاری و موانع ایذایی، در حالی که به شدت با آتشبارهای خطوط پشتیبانی حمایت می‌شدند، به مواضع دشمن حمله بردند و دشمن را سخت غافل‌گیر کردند. رزمندگان اسلام، به سرعت خاکریزهای مقدماتی آن‌ها را تسخیر کرده و به تعقیب بعضی‌ها پرداختند. دشمن وحشت‌زده و بی‌هدف منطقه را زیر گلوله گرفته بود و صدای انفجار لحظه‌ای قطع نمی‌شد.»<sup>۱</sup>

در این عملیات ۱۶ گردان از سپاه، ۱۳ گردان از ارتش و یک گردان از ژاندارمری به مصاف حدود ۳۰ گردان دشمن

۱. کارنامه توصیفی عملیات رزمندگان اسلام در طول ۸ سال دفاع مقدس، ص ۴۴

رفتند که تا ساعت ۱۴ ضمن شکستن محاصره آبادان، دو جاده مهم آبادان - اهواز و آبادان - ماهشهر را آزاد کردند.<sup>۱</sup> شهید حسن باقری در یادداشت‌هایش، وقایع شب اول عملیات را به صورت کامل یادداشت کرده است که قسمت‌هایی از آن چنین است:

«در ساعت ۸ شب، لوله نفت سیاه را روی کارون، از داخل روستای سلمانیه باز کردند. قرار شد حدود ۱۰۰/۰۰۰ بشکه نفت سیاه ریخته شود و پس از حدود ده ساعت، در ساعت ۴/۴۵ آتش زده شود. برای آتش زدن آن ۲۵ تیوپ با بنزین ترتیب داده شده است. همچنین از ساعت شش عصر، پنج بمب انفجاری ۱۰۰ پوندی برای انهدام پل روی آب رها شده است که حدود ساعت پنج صبح عمل خواهد کرد.

در ساعت ۲۲ در سلمانیه دو منور زدند. احتمال این که راجع به نقل و انتقالات حساس شده باشند، هست. از [ساعت] ۱۲/۴۰ منور روی نهر شادگان و دپوی دوم دشمن زیاد شده است.

در ساعت ۱/۱۰ کاظم [خلیل کاظمی] مربوط به عباس

۱. اطلس راهنما؛ ۱؛ خوزستان در جنگ، ص ۴۴

[کردآبادی] می گفت وضع ما خراب است. حسین [خرازی] هنوز به خوبی وارد عمل نشده بود. هر چند که کالیبر سبک باز شده بود.

[ساعت] ۱/۳۵ استراق سمع، در خط اول، ما را دور زده اند. [ساعت] ۱/۵۰ [سیدحسن] حسینی ۲: عراقی ها دارند از روی پل در می رند.

افزون: عراقی ها دارند فرار می کنند.

ساعت ۲/۰۰ خاکریز کنار شادگان سقوط کرده است. افزون و کاظم [خلیل کاظمی] مهمات لازم دارند.

[ساعت] ۲/۱۰ تانک ها از شرق می آیند.

نمی دانم چکار کنم، کاظم [خلیل کاظمی].

[ساعت] ۲/۳۵ تانک های ارتش به دپوی اول رسیدند.

نیزار راست اشغال است.

[ساعت] ۳/۳۰ تا ۴ که آتش رودخانه و دود داشت به طرف

ما می آمد، ناگهان بادی وزیدن گرفت و حداقل ما را فرا نگرفت. البته قبل از ما، پاسگاه تیپ ۳ را مختل کرده بود.

نفت سیاه قبل از این که به منطقه خودش برسد، در اثر اصابت توپ مشتعل شد و برای خودمان مسأله درست کرد.

از ساعت ۴ تا ۶ اوضاع ساکت بود. مقاومت وسط نیروها باقی بود و پیشروی از روبه‌رو سخت‌تر می‌شود.<sup>۱</sup> اولین پیام موفقیت را تیپ یک پیاده‌ ارتش در ساعت ۸ و ۳۲ دقیقه ۵ مهرماه اعلام کرد که جاده‌ ماهشهر - آبادان آزاد شد. این پیام، نوید آزادی تمام منطقه شرق کارون بود. رزمندگان با تصرف پل قصبه و الحاق نیروها در حوالی پل حفار در مدت ۵۵ ساعت، موفق شدند با رسیدن به ساحل شرقی رود کارون و پاکسازی کامل منطقه، حصر آبادان را پس از ۳۴۹ روز بشکنند.

در ساعت ۷ صبح روز ششم مهرماه، تعداد اسرای عراقی به حدود ۱۵۰۰ نفر رسید. این آمار نشان می‌داد که دشمن آخرین نفس‌های خود را در شرق کارون می‌کشد. احتمال این می‌رفت که دشمن شکست‌خورده اقدام به جنایت جنگی کند و از سلاح شیمیایی استفاده نماید، لذا دستور استفاده از وسایل و تجهیزات به واحدها ابلاغ شد. بعضی‌ها همچنین در روز دوم حمله تلاش زیاد و دور از انتظاری

---

۱. یادداشت‌های شهید حسن باقری از عملیات تا من الاثمه (ع)، آرشیو مؤسسه نشر آثار شهید حسن باقری

جهت نگهداری بخشی از سرپل شرق کارون از خود نشان دادند.<sup>۱</sup> با این وجود، نتوانستند موفقیتی کسب نمایند و بیشتر شاهد تلفات و خسارات خود بودند.

یکی از اسرای عراقی، عملیات را چنین توصیف کرده است:

«پس از گذشت یک سال و اندی که آبادان همچنان در محاصرهٔ ما بود، در روز ۱۹۸۱/۹/۲۷ (برابر با ۱۳۶۰/۷/۵) قوای ایران چنان صاعقه‌وار بر نیروهای ما حمله کرد که هرگز تصورش را هم نمی‌کردیم.

آن‌ها خیلی سریع حلقهٔ محاصره‌ای را که واحدهای ما بیشتر از یک سال به دور آبادان کشیده بودند، شکسته و خود را به آن سوی رود کارون رساندند. به این ترتیب، همه چیز برعکس شد؛ با باز شدن پای آن‌ها به آن سوی کارون، کلیهٔ نیروهای ما در شرق کارون که تا آن موقع نقش محاصره‌کننده را بازی می‌کردند، خود به محاصرهٔ کامل ایرانی‌ها درآمدند. تمام راه‌ها تقریباً بر روی ما بسته شده بود، به جز دو پلی که در مناطق قصبه و حفار بر روی کارون قرار

۱. تحلیلی بر وقایع صحنهٔ عملیات خوزستان در سال اول جنگ، صص ۲۳۳ - ۲۳۲

داشت و می توانست ما را به منطقه دفاعی لشکر سوم زرهی در غرب کارون برساند. اما با تنگ تر شدن حلقه محاصره، بالاخره نیروهای اسلام موفق شدند در روز دوم، خود را به آن دو پل باقی مانده رسانده، با انهدام آن ها، آخرین روزنه امید واحدهای لشکر سوم را در هم فرو بریزند. به این صورت، خیلی سریع لشکر سوم نابود شد و قوایش از پای درآمد.

نیروها گروه گروه به اسارت ایرانی ها در می آمدند، و خود را از مرگ حتمی نجات می دادند. در همین زمان، واحد مهندسی لشکر موفق شد پل متحرکی را بر روی کارون نصب کند، اما از آن جا که در آن گیرودار کسی از محل این پل اطلاعی نداشت و آن ها هم قصد فرار داشتند، به طرف دو پل منهدم شده می دویدند، افراد زیادی موفق نشدند خود را از طریق پل متحرک به آن سو برسانند.<sup>۱</sup>

طی عملیات ثامن الائمه، جاده آسفالتی ماهشهر - آبادان، جاده اهواز - آبادان، کارخانه قایق سازی و کارخانه شیر پاستوریزه آزاد شد و پل های مواصلاتی دشمن که بر روی

---

۱. اسراری از درون ارتش عراق؛ خاطرات افسران و سربازان اسیر عراقی، ترجمه حمید محمدی، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲، صص ۱۰۱-۹۹

کارون ساخته بود، تصرف و منهدم شد و در نهایت ۱۵۰ کیلومتر از خاک خوزستان از وجود دشمن بعثی پاکسازی شد.<sup>۱</sup>

علی کمالی پور، رزمندهٔ اعزامی از راور در خصوص آمادگی در شب عملیات می‌گوید:

«شب عملیات به قدری آماده بودیم که با پوتین نماز خواندیم. فکر می‌کردیم هر لحظه باید حرکت کنیم. به ارتش مأمور شده بودیم. امدادگر بودم. سرگروه گفتم: شما آمادهٔ حرکت باشید خبرتان می‌کنیم. تا صبح خبری نشد. ظاهراً ما را فراموش کرده بودند. ساعت نه یا ده، بچه‌ها آسمان را نشان دادند. خورشید مثل ماه دیده می‌شد. آسمان پر از غبار بود.»<sup>۲</sup>

آنچه کمالی پور به شکل غبار در آسمان می‌دید، در حقیقت دودی بود که از سوختن نفت سیاه بر روی کارون در آسمان ایجاد شده بود.

۱. کارنامهٔ عملیات سپاهیان اسلام در ۸ سال دفاع مقدس، مرکز فرهنگی سپاه، معاونت انتشارات و مدیریت امور کتاب، چاپ چهارم، ۱۳۷۵، ص ۱۵  
 ۲. نبردهای پیروز، عباس میرزایی، تهران، سورۀ مهر، ۱۳۹۱، ص ۱۴۰

از جمله اقدامات رزمندگان اسلام در این عملیات، طرح آتش زدن رودخانه کارون بود. جدا کردن ارتباط نیروهای دشمن در شرق و غرب رودخانه کارون، انهدام پل‌های مواصلاتی و ارتباطی مهم و استراتژیک دشمن بر روی رودخانه کارون و آلوده کردن سطح رودخانه با مواد نفتی و سپس به آتش کشیدن سطح رودخانه، از جمله کارهای مقدماتی عملیات ثامن الائمه بود.

با این طرح، کارون به دریایی از آتش بدل می‌شد و مسیر تردد بعضی‌ها را غیر ممکن ساخته، آن‌ها را از ارتباط و پشتیبانی همدیگر به هنگام حمله سنگین قوای اسلام محروم می‌کرد.

«برای این کار، از پالایشگاه اهواز درخواست مقدار زیادی نفت سیاه شد. برادران پرتلاش در پالایشگاه نفت اهواز، با ترمیم کردن خطوط لوله نفت که در امتداد جاده اهواز - آبادان بود، نفت سیاه را به منطقه محمدیه رساندند. پس از محاسبه سرعت آب و سرعت حرکت نفت سیاه روی آب و دیگر اقداماتی که در جهت اجرا کردن این طرح می‌بایست انجام شود، برادران گروه تخریب، بمب‌های ساعتی را روی

تیوپ‌هایی نصب کردند و روی آب انداختند. در رأس ساعت مقرر، بمب‌ها عمل کرده و رودخانه به آتش کشیده شد! البته با وجود مزایای مذکور، این طرح مشکلاتی را هم برای نیروهای ایرانی در پی داشت. یکی از شاهدان واقعه در شرح آتش زدن کارون می‌گوید:

«همه منتظر عملیات بودند. نسیم آرامی می‌وزید و مواد نفتی، آهسته آهسته به سمت رودخانه کارون جریان داشت. کارون این رودخانه مظلومی که ماه‌ها وجود ظالمانه و غاصبانۀ ارتش بعث عراق را مشاهده کرده بود، خود را برای انتقام از این غاصبان میهن اسلامی آماده می‌کرد. کارون پذیرفته بود که به جهنمی از آتش و دود تبدیل شود و اجساد مزدوران بعث را به قعر خود فرو برد.

هر چه زمان سپری می‌شد، مواد نفتی بیشتر در سطح رودخانه گسترش می‌یافت. قبل از این که تمامی سطح رودخانه آلوده به مواد نفتی شود، ناگاه گلوله توپی از سوی دشمن به کانال انتقال نفت اصابت کرد و کانال یک‌پارچه آتش گرفت و دود بسیار عظیمی، سراسر سطح کانال و فضای اطراف را فرا گرفت و با انتقال تدریجی نفت موجود در کانال، رفته رفته دود غلیظ و غلیظ‌تر می‌شد.

آسمان صاف دارخوین، یک‌باره به تاریکی گرایید و گاز ناشی از احتراق نفت، تمامی منطقه را پوشاند. دود حاصله از این آتش‌سوزی، به سمت قرارگاه ارتش جمهوری اسلامی حرکت می‌کرد. وضع در اندک زمانی به گونه‌ای شد که خفگی، تمامی افراد مستقر در قرارگاه فرماندهی را تهدید می‌کرد. گاز و دود، اینک به درون سنگرها راه یافته بود و تنها چاره و راه‌حل، ترک قرارگاه به سوی یک محل امن‌تر بود. لذا پرسنل آن به سمت قرارگاه فرماندهی سپاه که شهید حسن باقری و جمعی از بچه‌های سپاه در آن مستقر بودند، حرکت کردند.

زمان کمی به شروع عملیات باقی مانده و کار هدایت و هماهنگی عملیات، در این لحظه‌ها به مخاطره افتاده بود، ولی خطر در همین حد خلاصه نمی‌شد. بلکه دود و گاز متراکم علاوه بر مقر ارتش به سوی قرارگاه سپاه هم در حال حرکت بود و با این که فاصله بسیار کمی بین این دو قرارگاه بود، دود در اندک زمانی به فضای مقر فرماندهی برادر شهید باقری رسید.

همه درصدد چاره دیگری بودند. چون تا لحظاتی دیگر،

دود فضای قرارگاه سپاه را کاملاً می‌پوشاند و بوی گاز در سطح قرارگاه پیچیده بود. عده‌ای تصمیم گرفته بودند که مقرر سپاه را هم ترک کرده تا شاید از شر این دود نجات یابند. اما سرنوشت عملیات چه خواهد شد؟ عده‌ای هم منتظر وضع جدیدی بودند؛ گویی خودشان را در این آزمایش بزرگ، کاملاً تسلیم حق کرده بودند که ناگهان، در این گیرودار و در اوج اضطراب و توکل، خداوند نصرت خود را بر مجاهدان خود نازل کرد.

ناگهان باد شدیدی وزیدن گرفت و سقف سنگین دود و گاز غلیظ را همچون پر کاهی حرکت داد و بلافاصله فضای صاف و آبی آسمان خدا جلوه‌گر شد. بعضی بی‌اختیار گریه می‌کردند و بعضی هنوز نمی‌فهمیدند که چه حادثه‌ای رخ داده است. همه خود را به نسیم آرام‌بخش باد - این آیت حق - سپرده بودند. کمتر کسی می‌دانست که چه حادثه شگرفی اتفاق افتاده است که صدای گرم و رسای سردار رشید حسن باقری، همه را به خود آورد که «بیایید خوب ببینید که خداوند چگونه معجزه کرده و نصرت خود را بر ما نازل کرده است، تا فردا کسی منکر نزول این امدادها و نصرت‌ها و معجزات الهی نشود.»<sup>۱</sup>

۱. جنگ بولدوزر؛ مجموعه قصه و خاطره، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۶۶، صص ۴۸۰.

## فصل هفتم

عملیات ثامن‌الائمه، اولین حرکت جدی و سازمان‌یافته نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در سال‌های آغازین جنگ تحمیلی عراق بر ایران بود. با فرار دشمن به غرب کارون، بهترین موضع پدافندی و ضدپاتک نصیب نیروهای خودی شد. پس از دو روز نبرد بی‌امان رزمندگان اسلام، دشمن برای اولین بار طعم شکست در حمله گسترده را چشید و پسمانده‌های ارتش بعثی به غرب کارون فرار کردند و در آن جا زمین‌گیر شدند.

شهید حسن باقری، فرمانده جناح شمالی عملیات که با جسارت دو پل موجود بر روی کارون را به تصرف درآورد، در گزارشی درباره موفقیت‌های عملیات می‌نویسد:

«انگیزه طرح

الف. فرمایش امام امت که فرمودند حصر آبادان باید شکسته شود و اطاعت برادران سپاه و بسیج از ولایت فقیه که حتی از ماه چهارم جنگ، طرح‌هایی برای شکسته شدن محاصره آبادان نوشته شد ولی با کارشکنی خط لیبرال‌ها به خصوص [ابوالحسن] بنی‌صدر مواجه شد.

ب. حساسیت سیاسی منطقه آبادان که شاید بتوان گفت مهم‌ترین پیروزی عراق در جنگ بعد از تصرف خونین شهر، محاصره آبادان بود. تا یک سال پس از آغاز جنگ صدام می‌گفت هر وقت بخواهد، می‌تواند آبادان را تصرف کند.

پشتیبانی ملت شهید پرور

الف. حمایت روانی: از اولین روزهای جنگ، مردم همیشه در صحنه، پشتیبانی خود را از جنگ و رزمندگان اعلام کردند و این پشتیبانی روحی بزرگ‌ترین حامی برادران ارتش و سپاه در جبهه‌ها بوده است.

ب. حمایت مادی: باز هم تمام مخارج جنگ بر عهدهٔ مردم بوده که یا از طریق دولت پرداخت شده و یا به صورت کمک‌های نقدی و جنسی مستقیماً به جبهه‌ها ارسال شده است. این کاملاً مشهود بوده که رزمندگان مسلمان کمبود عمدهٔ تدارکاتی نداشته‌اند.

ج. حمایت انسانی: این امر از اولین دقایق آغاز جنگ آشکار بود که بیشتر رزمندگان جبهه‌ها را نیروهای مردمی تشکیل می‌دادند که داوطلبانه و برای جنگیدن در راه خدا و به عشق شهید شدن به جبهه‌ها می‌آمدند. همه امروز این را می‌دانند که اگر حمایت انسانی مردم از جنگ قطع شود، هیچ امیدی به پیروزی جنگ نمی‌رود. آمار شهدای جنگ تحمیلی نیز این موضوع را روشن می‌کند.

د. حمایت روحانی: این موضوع از جهاتی بر سه حمایت دیگر برتری دارد. از اولین روزهای جنگ، با حضور فعال روحانیت متعهد و مبارز و تقدیم شهدای بسیار، جبهه‌های ما از لحاظ جو مذهبی در استغنائی بالایی بود. به طوری که همیشه در تمام جبهه نماز جماعت برگزار می‌شده و می‌شود. حتی ما در اطراف خط مقدم جبهه، سنگری را به نام مسجد داشته‌ایم.

علاوه بر این، حضور آیت‌الله [علی‌اکبر] مشکینی در جبهه دارخوین و آیت‌الله [سیدعبدالکریم] موسوی اردبیلی در ماهشهر و حجت‌الاسلام [فضل‌الله] محلاتی در جبهه‌های دارخوین و آبادان (چند روز قبل از حمله) اثر روحی و مذهبی بسیار بالایی داشت. حتی در شب حمله به امام تلفن زده شد که امام امت برای پیروزی حمله دعا کنند و امام خمینی دعا کردند.

ه. نقش جهاد سازندگی: که به‌خصوص در امر مهندسی کاملاً مشهود بوده است و شهدایی که در این حمله و دیگر حملات داده‌اند.

هماهنگی کامل نیروهای رزمنده و پشتیبانی‌کننده  
 الف. نیروهای پیاده. با توجه به این که این حمله یک حمله پیاده بود (با پشتیبانی زرهی)، نیروهای رزمنده ارتش، سپاه، بسیج و دیگر نیروهای مردمی کاملاً با یکدیگر به‌طور هماهنگ وارد عمل شدند. به‌طوری که نمی‌توان تشخیص داد کدام یک از رزمنده‌ها سرباز هستند و کدام یک بسیج و پاسدار. این امر در پیروزی بسیار مؤثر بود.  
 ب. نیروهای پشتیبانی مانند توپخانه و هلی‌کوپترها و

هوایماها نیز بیشترین زحمت را کشیدند. البته دشمن به حدی غافل گیر شده بود که از هوایماهایش نتوانست استفاده‌ای ببرد.

ج. رشادت برادران ارتش، بسیج و سپاه در حمله (چند نمونه) و فداکاری رانندگان و آمبولانس‌ها.

گسترده‌گی جبهه و استحکام مواضع دشمن

الف. منطقه تحت اشغال دشمن در شرق رودخانه کارون، محلی به عمق سیزده کیلومتر در کناره کارون و همین حدود از رودخانه کارون تا جنوب جاده ماهشهر بود. به طوری که جاده آبادان - اهواز و ماهشهر در منطقه اشغالی قرار گرفته و در تصرف دشمن بود. مساحت اشغال شده حدود صد کیلومتر مربع بود.

ب. استحکامات مهمی که عراق برای پدافند در این منطقه به وجود آورده بود، مانند خاکریزهای متعدد و بلند و در جهت‌های مختلف، آرایش گوناگون و رده‌به‌رده و گذاشتن پدافندهای هوایی بسیار که از نفوذ هوایما و هلی کوپترها جلوگیری می کردند. این موضوع به حدی برای عراق مطمئن بود که منطقه را با دو پل و گاه با یک پل تدارک می کرد و

مهمات بسیاری را در منطقه برای مقاومت چند روزه انبار کرده بود.

الف. لطف خداوند و فرماندهی امام زمان (علیه السلام) همه در این حمله نشانه‌های بارز لطف خداوند را مشاهده کردند.

ب. هدایت عملیات به طوری پیش می‌رفت که برای همه مشخص بود فرماندهی توسط مسؤولین ارتش و سپاه نیست و دست غیبی، برادران را در آن شب پیش می‌برد.

ج. خداوند ما را در چشم دشمن قوی جلوه داده و دشمن را در چشم ما پست کرده بود. حجت الاسلام [غلامحسین] جمی امام جمعه آبادان می‌گفت اگر ما مواضع عراقی‌ها را از قبل می‌دیدیم، می‌گفتیم حمله نکنید.

د. نمونه‌های امداد غیبی مانند جریان آتش گرفتن نفت سیاه در روی کارون و محمدیه و اشغال دو پل دشمن فقط از یک محور.

آمار غنائم و تلفات

الف. تجهیزات: ۱. زرهی: انهدام ۱۵۰ تانک و نفربر و غنیمت ۲۰۰ تانک و نفربر.

۲. خودرو: انهدام ۱۰۰ دستگاه خودرو و غنیمت ۱۵۰ دستگاه خودرو سنگین و سبک.

۳. مهندسی: حدود ۳۰ لودر و بلدوزر.

۴. توپخانه: حدود پنج قبضه توپخانه.

۵. تعدادی تفنگ ۱۰۶ میلیمتری.

۶. تعدادی اسلحه انفرادی و بیسیم.

ب. نفرات: کشته و زخمی حدود ۱۷۰۰ نفر، اسیر ۱۸۰۰ نفر.<sup>۱</sup>

خبر این پیروزی و عقب‌نشینی دشمن به سرعت در رسانه‌های خبری جهان درج شد. عراق در رسانه‌های خود تلاش کرد که با توجیهات مختلف، بر این شکست بزرگ سرپوش گذاشته و آن را یک نوع پیروزی تلقی کند. رادیو بغداد شکست در آبادان را عقب‌نشینی تاکتیکی نامید و از قول صدام، اعلام کرد که «ارتش پیروز عراق به خاطر به دست آوردن موقعیت برتر، از شرق به غرب کارون دست به عقب‌نشینی تاکتیکی دست زده است.»<sup>۲</sup>

رهبر کبیر انقلاب اسلامی در خصوص پیروزی‌های

---

۱. روزنوشت؛ یادداشت‌های روزانه شهید حسن باقری، تدوین احمد دهقان، تهران،

مؤسسه نشر آثار شهید حسن باقری، ۱۳۹۲، صص ۲۲۹ و ۲۳۰

۲. کارنامه توصیفی عملیات رزمندگان اسلام در طول ۸ سال دفاع مقدس، ص ۴۶

رزمندگان اسلام در عملیات ثامن الائمه پیامی به شرح زیر صادر فرمودند:

«بسم الله الرحمن الرحيم. تیمسار سرتیپ فلاحی، تیمسار سرتیپ ظهیرنژاد و جناب آقای محسن رضایی، تلگرام شما در خصوص فتحی بزرگ که خداوند تعالی نصیب ارتش، نیروی هوایی و هوانیروز سپاه پاسداران، بسیج، ژاندارمری، فداییان اسلام و سایر نیروهای مردمی فرموده و محاصره آبادان به طور کامل شکسته است، واصل گردید. اینجانب این پیروزی بزرگ را به فرماندهان تمامی نیروهای مسلح و به سربازان ارجمند و سپاهیان تبریک می گویم و امید است این سرافرازی ها را که برای اسلام و میهن فراهم می کنند، منظور نظر مبارک ولی الله الاعظم بقیة الله ارواحنا له الفدا باشد و آخرین پیروزمندی را که راندن نیروهای متجاوز کافر از سرزمین های میهن مان است، ملت شریف به زودی مشاهده کنند. اینجانب به اسم ملت ایران از رزمندگان دلیر ارتش و سپاه و دیگر قوای مسلح ایده م الله تعالی تقدیر و تشکر می کنم و از خداوند متعال توفیق نصرت و عظمت اسلام و

مسلمین به خصوص نیروهای مسلح اسلام را خواستارم.»<sup>۱</sup> بعد از پایان موفقیت آمیز عملیات ثامن الائمه، تعدادی از فرماندهان رده بالای ارتش و سپاه برای ارائه گزارش به محضر امام خمینی (ره)، با یک فرزند هواپیمای سی ۱۳۰ (با ۴۰ سرنشین و ۲۷ مجروح و ۳۲ نفر از شهدای عملیات) از فرودگاه اهواز عازم تهران شدند که به علتی نامشخص، هواپیما در ساعت ۱۹:۵۹ روز ۷ مهر ۱۳۶۰ در حوالی کهریزک دچار سانحه شد و ۴۹ نفر از سرنشینان هواپیما، از جمله ولی الله فلاحی (رییس ستاد مشترک ارتش)، یوسف کلاهدوز (قائم مقام سپاه پاسداران)، سیدموسی نامجو (وزیر دفاع)، سرتیپ جواد فکوری (مشاور ستاد مشترک و فرمانده نیروی هوایی ارتش) و محمدعلی جهان آرا (فرمانده سپاه پاسداران خرمشهر) به شهادت رسیدند.

امیر سرتیپ منوچهر کهتری می گوید: «بعد از آزادی آبادان، شهید ولی الله فلاحی گفت سه شب می گذرد که نخواییده ام. وی رییس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران بود. پرسیدم: «چرا؟»

گفت: «شب اول در فکر این بودم که اگر پیروز نشویم، چه می‌شود؛ و نخوابیدم. شب دوم را از خوشحالی پیروزی عملیات نخوابیدم. شب سوم هم از شوق گفتن خبر پیروزی به امام خمینی و دیدن خنده شوق ایشان، خوابم نبرد.»<sup>۱</sup>

وی روز بعد، در حالی که به همراه فرماندهان عملیات عازم تهران بود تا گزارش عملیات ثامن‌الائمه و شکستن حصر آبادان را به اطلاع امام خمینی (ره) برسانند، بر اثر سقوط هواپیما به شهادت رسید.

امام امت در پیام خود به مناسبت این واقعه اسفبار فرمودند: «اینان خدمتگزاران رشید و متعهدی بودند که در انقلاب و پس از پیروزی انقلاب، با سرافرازی و شجاعت در راه هدف و در حال خدمت به میهن اسلامی به جوار رحمت الهی شتافتند... چه سعادت‌مند بودند این شهیدان که دین خود را به اسلام و ملت شریف ایران ادا نموده و به جایگاه مجاهدین شهدای اسلام شتافتند.»<sup>۲</sup>

نام منطقه شرق کارون، بار دیگر در بهار ۱۳۶۱ و در

۱. خبرگزاری فارس <http://www.farsnews.com>

۲. اولین‌های دفاع مقدس، صص ۱۵۰ - ۱۴۹

عملیات بیت‌المقدس (آزادسازی خرمشهر) مطرح شد. طی این عملیات، قرارگاه نصر و فتح، مأمور تک از شرق رودخانه کارون بودند. نیروهای این دو قرارگاه، با گذشتن از رود کارون و استقرار در جاده اهواز - خرمشهر بیش از هشتصد کیلومتر مربع را پاکسازی نمودند.

قبل از عملیات، نیروها در اردوگاه‌های منطقه شرق کارون و به‌خصوص شهرک دارخوین و انرژی اتمی استقرار یافتند. غروب نهم اردیبهشت ۱۳۶۱، آنان از تمام اردوگاه‌ها، به سمت مناطق عبور حرکت کردند. سه پل، نیروها و ادوات نیروهای خودی را عبور می‌داد. همان شب عملیات بیت‌المقدس آغاز شد و پس از ۴ مرحله عملیات، در ۳ خرداد ۱۳۶۱ خرمشهر آزاد شد. بدین ترتیب ماجراهای تکرار ناشدنی شرق کارون پایان یافت.

اکنون، سال‌ها پس از فروکش کردن غرش توپخانه‌ها، عده زیادی همه ساله در میان نخل‌ها و روستاهای شرق کارون، به دنبال خاطرات گمشده‌ای می‌گردند که شنیدنی است، و خواندنی.

## منابع

۱. ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس، ج ۳ (اشغال خرمشهر و شکستن حصر آبادان)، سید یعقوب حسینی و محمد جوادی پور، تهران، سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۳
۲. اسراری از درون ارتش عراق؛ خاطرات افسران و سربازان اسیر عراقی، ترجمه حمید محمدی، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲
۳. اطلس جغرافیای حماسی ۱؛ خوزستان در جنگ، پژمان پور جباری، تهران، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، نشر صریر، ۱۳۸۹
۴. اطلس راهنما ۱؛ خوزستان در جنگ، ابوالقاسم حبیبی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران، ۱۳۷۹
۵. اولین‌های دفاع مقدس، محمد خامه یار، قم، رهپویان، چاپ دوم، ۱۳۸۳
۶. تاریخ دفاع مقدس، اسماعیل منصوری لاریجانی، تهران، اسلیمی، ۱۳۸۰
۷. تحلیلی بر وقایع صحنه عملیات خوزستان در سال اول جنگ،

- نصرت‌الله معین وزیری، تهران، سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس آجا، ۱۳۸۴
۸. جغرافیای عملیات ماندگار دفاع مقدس، احمد پوراحمد، به اهتمام حسن رسولی منفرد، تهران، صریر، ۱۳۸۶
۹. جنگ بولدوزر؛ مجموعه قصه و خاطره، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۶۶
۱۰. خورشید شلمچه؛ خاطراتی از علمدار جبهه‌ها حاج حسین خرازی، سیدعلی بنی‌لوحی، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۰
۱۱. روزنوشت؛ یادداشت‌های روزانه شهید حسن باقری، تدوین احمد دهقان، تهران، مؤسسه نشر آثار شهید حسن باقری، ۱۳۹۲
۱۲. روزهای مقاومت؛ واکاوی عملیات دارخوین و شکست حصر آبادان، سیدیحیی (رحیم) صفوی، قم، هدی، ۱۳۹۰
۱۳. سالنامه آماری استان خوزستان سال ۱۳۹۰، سیما آرین‌نژاد و نصرت صفیرجرفی، استانداری استان خوزستان، ۱۳۹۱
۱۴. سرباز سال‌های ابری؛ خاطرات عبدالحسین بنادری، گفت‌وگو و تدوین سیدقاسم یاحسینی، تهران، فاتحان، ۱۳۸۹
۱۵. شور عاشقی، سیدعلی بنی‌لوحی، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ بیستم، ۱۳۸۲
۱۶. صحیفه امام خمینی، جلد ۱۳، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)

۱۷. کارنامه توصیفی عملیات رزمندگان اسلام در طول ۸ سال دفاع مقدس، علی سمیعی، لشکر ۱۶ قدس گیلان، نمایندگی ولی فقیه در نیروی زمینی، ۱۳۷۶

۱۸. کارنامه عملیات سپاهیان اسلام در ۸ سال دفاع مقدس، مرکز فرهنگی سپاه، معاونت انتشارات و مدیریت امور کتاب، چاپ چهارم، ۱۳۷۵

۱۹. کوی ذوالفقاری، علیرضا پوربزرگ وافی، تهران، دلارنگ، ۱۳۸۷

۲۰. عملیات ثامن الائمه، روح‌الله سروری و ابوالقاسم جاودانی، تهران،

سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، نشر آجا، ۱۳۹۰

۲۱. فرماندهان دفاع مقدس؛ شهید حسن باقری (مجموعه مقالات،

سخنرانی‌ها و دست‌نوشته‌ها)، سعید سرمدی، تهران، مرکز اسناد و

تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران، ۱۳۹۰

۲۲. معبر؛ مجموعه خاطرات، مهدی لندی اصفهانی، کنگره بزرگداشت

سرداران شهید استان اصفهان و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، لشکر

۱۴ امام حسین(ع)، ۱۳۷۵

۲۳. نبرد کرخه کور(مهر ۱۳۵۹ تا شهریور ۱۳۶۰)؛ تاریخ‌نامه دفاع

مقدس استان کرمان، نقش بسیج و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

حماسه ثارالله، عباس میرزایی، تهران، سوره مهر، ۱۳۹۰

۲۴. نبردهای شرق کارون به روایت فرماندهان، سیدعلی بنی‌لوحی و

هادی پیرمرادی، تهران، مرکز اسناد دفاع مقدس سپاه پاسداران انقلاب

اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۹۱

۲۵. هجوم سراسری (روزشمار جنگ ایران و عراق)، مهدی انصاری و حسین یکتا، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران، چاپ دوم، ۱۳۷۷

۲۶. هزار قلۀ عشق؛ خاطراتی از سردار سرلشکر حاج حسین خرازی فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین(ع)، سیدعلی بنی لوحی، تهران، لشکر ۱۴ امام حسین(ع) سپاه پاسداران، ۱۳۷۵

۲۷. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای  
[www.Khamenei.ir](http://www.Khamenei.ir)

۲۸. خبرگزاری فارس <http://www.farsnews.com>

۲۹. خبرگزاری تبیان <http://www.tebyan.net>

۳۰. آرشیو مؤسسه نشر آثار شهید حسن باقری





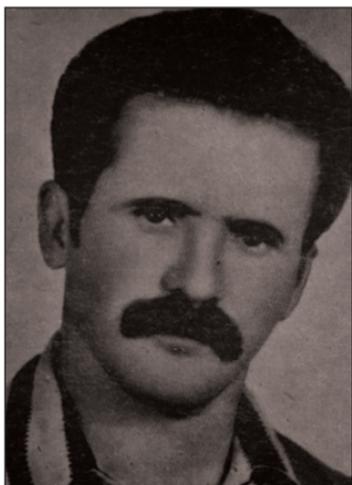
انهدام پل خرمشهر



بمباران شهر آبادان



جهاد سازندگی در دفاع مقدس



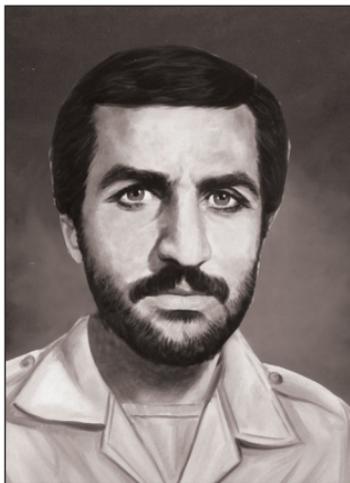
شهید دریاقلی سورانی



سرلشکر رحیم صفوی در جبهه جنوب



حضور امام خامنه ای در یادمان شهدای شرق کارون



شهید محمد طرحچی



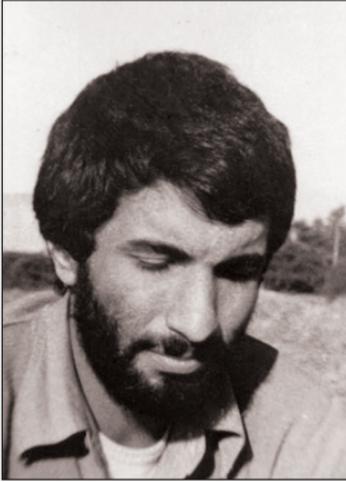
شهید حسن باقری



شهید محمد جواد تندگویان



شهید جواد فکوری



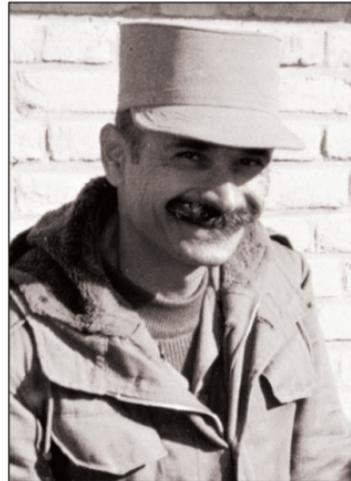
شهید محمد جهان آرا



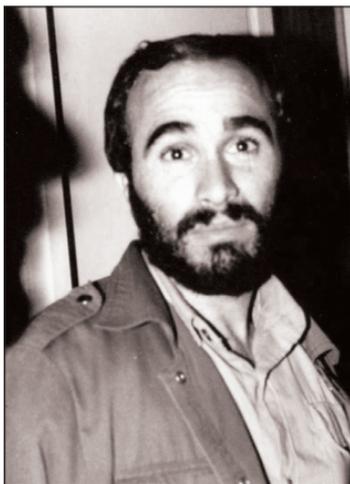
شهید موسی نامجو



شهید یوسف کلاهدوز



شهید ولی الله فلاحی



شهید حسین خرازی



شهید مصطفی ردانی پور

# قطعه‌های از آسمان

از مجموعه  
کتاب‌های

<p>۱- ارونند • ۲- آبادان • ۳- خرمشهر • ۴- شلمچه                      ۵- طلائییه • ۶- هویزه • ۷- بستان • ۸- سوسنگرد                      ۹- دهلاویه • ۱۰- شوش • ۱۱- اهواز • ۱۲- دزفول                      ۱۳- دوکوهه • ۱۴- فکه • ۱۵- دشت عباس • ۱۶- چزابه                      ۱۷- زید • ۱۸- جزیره مینو • ۱۹- ابوقریب و شرهانی                      ۲۰- جاده اهواز-خرمشهر • ۲۱- گلف (پایگاه منتظران شهادت)                      ۲۲- شرق کارون</p>	<p>یادمان جنوب</p>
<p>۱- دهلران • ۲- میمک • ۳- مهران • ۴- نفت شهر                      ۵- گیلانغرب • ۶- پادگان ابوذر • ۷- سرپل ذهاب                      ۸- قصر شیرین • ۹- تنگه مرصاد • ۱۰- کرمانشاه                      ۱۱- پاوه • ۱۲- سومار • ۱۳- چنگوله و چیلات                      ۱۴- بازی دراز</p>	<p>یادمان‌های غرب و میانی</p>
<p>۱- سنندج • ۲- مریوان • ۳- بانه • ۴- سردشت • ۵- مهاباد                      ۶- دولتو • ۷- نوسود • ۸- بوالحسن • ۹- بلفت - دوپازا                      ۱۰- سیران بند • ۱۱- دارساوین • ۱۲- پیرانشهر                      ۱۳- اشنویه</p>	<p>یادمان‌های شمالغرب</p>